



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



اربعین
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



مجلس شورای اسلامی ایران
کتابخانه مجلس شورای اسلامی



زیارت امام علی بن موسی الرضا (ع)
از دیدگاه اهل سنت

محققین و مؤلفین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

زیارت مهر: زیارت امام علی بن موسی الرضا علیهم السلام از دیدگاه اهل سنت

نویسنده:

محسن رجبی قدسی

ناشر چاپی:

بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست	۵
زیارت مهر : زیارت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام از دیدگاه اهل سنت	۸
مشخصات کتاب	۸
اشاره	۸
فهرست مطالب	۱۰
پیشگفتار	۱۴
مقدمه	۱۶
فصل اول: قرآن و سنت در سیره امام رضا علیه السلام	۲۸
فصل دوم: دانش و شخصیت امام رضا علیه السلام از دیدگاه اهل سنت	۳۴
اشاره	۳۴
ابن راهویه (۲۳۸هـ - ق)	۳۵
حاکم نیشابوری (۴۰۵هـ - ق)	۳۷
ابن اثیر (۶۰۴هـ - ق)	۳۸
ابن طلحه (۶۵۲هـ - ق)	۳۸
جوینی خراسانی (۷۰۳هـ - ق)	۳۹
ذهبی (۷۴۸هـ - ق)	۴۰
ابن صباغ مالکی (۸۵۵هـ - ق)	۴۰
فضل الله بن روزبهان خنجی (۹۲۷هـ - ق)	۴۲
خواندمیر (۹۴۲هـ - ق)	۴۵
ناظمی ناشناخته	۴۶
ابن عامر شبراوی (۱۱۷۲هـ - ق)	۴۷
یوسف بن اسماعیل نیهانی شافعی (۱۳۵۰هـ - ق)	۴۸
سید محمد طاهر هاشمی شافعی (۱۴۱۲هـ - ق)	۴۸
فصل سوم: اهل سنت و زیارت مرقد مطهر امام رضا علیه السلام	۵۰

۵۰	 اشاره
۵۳	 ابن خزیمه (۳۱۱ هـ - ق) و ابوعلی ثقفی (۳۲۸ هـ - ق) (
۵۵	 ابن حبان بُستی (۳۵۴ هـ - ق).....
۵۶	 گزارش ابن حوقل (پس از ۳۶۷ هـ - ق).....
۵۶	 گزارش حدود العالم.....
۵۷	 گزارش مقدسی (۳۷۵ هـ - ق).....
۵۹	 ابو منصور محمد بن عبدالرزاق طوسی (۳۵۰ هـ - ق).....
۶۱	 ابوبکر حتمی فراء.....
۶۱	 ابو الحسن علی بن حسن قهستانی.....
۶۲	 ابونصر مودن نیشابوری.....
۶۴	 حاکم نیشابوری (۴۰۵ هـ - ق).....
۶۴	 ابوالحسین محمد بن علی بن سهل.....
۶۴	 ابو الحسین بن ابی بکر فقیه.....
۶۵	 مذهب بیهقی (۴۷۰ هـ - ق).....
۶۶	 امام محمد غزالی(۵۰۵ هـ - ق).....
۶۷	 سنایی غزنوی (۵۳۵ هـ - ق).....
۶۹	 منتجب الدین جوینی (پس از ۵۵۲ هـ - ق).....
۷۰	 ابوالحسن محمد بن قاسم فارسی.....
۷۱	 گزارش حمدالله مستوفی (۷۴۰ هـ - ق).....
۷۱	 گزارش ذهبی (۷۴۸ هـ - ق).....
۷۱	 گزارش صفدی شافعی (۷۶۴ هـ - ق).....
۷۱	 گزارش کلاویخو (۸۱۴ هـ - ق).....
۷۲	 گزارش میرخواند (۹۰۳ هـ - ق).....
۷۳	 فضل الله بن روزبهان خنجی (۹۲۷ هـ - ق).....
۸۰	 خواند میر (۹۴۲ هـ - ق).....
۸۲	 فصل چهارم: سیره امام رضا علیه السلام.....

۸۲	 اشاره
۸۵	 آراستگی و بهداشت
۸۶	 ابتهاال و نیایش
۹۰	 مردم داری و رعایت حقوق مردم
۹۹	 حقّ حاکم بر مردم
۹۹	 حقّ در راه ماندگان
۱۰۰	 حقّ مسکینان و نیازمندان
۱۰۱	 حقّ کارگران
۱۰۳	 حقّ زرتشتیان
۱۰۳	 حقّ مسیحیان
۱۰۴	 حقّ اهل ذّمّه
۱۰۴	 عدم تبعیض میان مردم
۱۰۵	 نفی هرگونه مردم آزاری
۱۰۶	 چهل حدیث از امام رضا علیه السلام
۱۱۶	 کتاب نامه
۱۲۶	 درباره مرکز

زیارت مهر : زیارت امام علی بن موسی الرضا علیهم السلام از دیدگاه اهل سنت

مشخصات کتاب

سرشناسه : رجبی قدسی، محسن، 1355 -

عنوان و نام پدیدآور : زیارت مهر [کتاب] : زیارت امام علی بن موسی الرضا علیهم السلام از دیدگاه اهل سنت / محسن رجبی قدسی.

مشخصات نشر : مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی، 1396.

مشخصات ظاهری : 116 ص؛ 5/14 × 5/21 س م.

شابک : 40000 ریال 978-964-971-483-7 :

وضعیت فهرست نویسی : فاپا (چاپ دوم)

یادداشت : چاپ دوم.

عنوان دیگر : زیارت امام علی بن موسی الرضا علیهم السلام از دیدگاه اهل سنت .

موضوع : علی بن موسی (علیه السلام)، امام هشتم، 153؟ - 203ق. -- احادیث اهل سنت

شناسه افزوده : بنیاد پژوهش های اسلامی

رده بندی کنگره : 2/47BP/3ز9 1396

رده بندی دیویی : 297/957

شماره کتابشناسی ملی : 2481356

خیراندیش دیجیتال: کانون فرهنگی اندیشه اصفهان

ویراستار کتاب: لیلا کریمی

ص: 1

اشاره

سرشناسه: رجبی قدسی، محسن، 1355 -

عنوان و نام پدیدآور: زیارت مهر [کتاب]: زیارت امام علی بن موسی الرضا علیهم السلام از دیدگاه اهل سنت / محسن رجبی قدسی.

مشخصات نشر: مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی، 1396.

مشخصات ظاهری: 116 ص؛ 5/14 × 5/21 س م.

شابک: 40000 ریال 7-483-971-964-978

وضعیت فهرست نویسی: فاپا (چاپ دوم)

یادداشت: چاپ دوم.

عنوان دیگر: زیارت امام علی بن موسی الرضا علیهم السلام از دیدگاه اهل سنت.

موضوع: علی بن موسی (علیه السلام)، امام هشتم، 153؟ - 203ق. -- احادیث اهل سنت

شناسه افزوده: بنیاد پژوهش های اسلامی

رده بندی کنگره: 2/BP47/3ر 1396

رده بندی دیویی: 297/957

شماره کتابشناسی ملی: 2481356

ص: 2

پیشگفتار...5

مقدمه...7

فصل اول: قرآن و سنت در سیره امام رضا علیه السلام...19

فصل دوم: دانش و شخصیت امام رضا علیه السلام از دیدگاه اهل سنت...25

ابن راهویه (238هـ-ق)...26

حاکم نیشابوری (405هـ-ق)...28

ابن اثیر (604هـ-ق)...29

ابن طلحه (652هـ-ق)...29

جوینی خراسانی (703هـ-ق)...30

ذهبی (748هـ-ق)...31

ابن صباغ مالکی (855هـ-ق)...31

فضل الله بن روزبهان خنجی (927هـ-ق)...33

خواندمیر (942هـ-ق)...36

ناظمی ناشناخته...37

ابن عامر شبراوی (1172هـ-ق)...38

یوسف بن اسماعیل نبهانی شافعی (1350هـ-ق)...39

سید محمد طاهر هاشمی شافعی (1412هـ-ق)...39

فصل سوم: اهل سنت و زیارت مرقد مطهر امام رضا علیه السلام...41

ابن خزیمه (311هـ-ق) و ابو علی ثقفی (328هـ-ق)...44

ابن حبان بُستی (354هـ-ق)...46

گزارش ابن حوقل (پس از 367هـ-ق) 47...

گزارش حدود العالم 47...

گزارش مقدسی (375هـ-ق) 48...

ابو منصور محمد بن عبد الرزاق طوسی (350هـ-ق) 50...

ابوبکر حمّامی فراء 52...

ص: 3

ابو الحسن علی بن حسن قهستانی...52

ابونصر موذن نیشابوری...53

حاکم نیشابوری (405ه-ق)...55

ابو الحسین محمد بن علی بن سهل...55

ابو الحسین بن ابی بکر فقیه...55

بیهقی (470ه-ق)...56

امام محمد غزالی (505ه-ق)...57

سنایی غزنوی (535ه-ق)...58

منتجب الدین جوینی (پس از 552ه-ق)...60

ابو الحسن محمد بن قاسم فارسی...61

گزارش حمدالله مستوفی (740ه-ق)...62

گزارش ذهبی (748ه-ق)...62

گزارش صفدی شافعی (764ه-ق)...62

گزارش کلاویخو (814ه-ق)...62

گزارش میرخواند (903ه-ق)...63

فضل الله بن روزبهان خنجی (927ه-ق)...64

خواند میر (942ه-ق)...71

فصل چهارم: سیره امام رضا علیه السلام...73

آراستگی و بهداشت...76

ابتهاال و نیایش...77

مردم داری و رعایت حقوق مردم...81

حقّ حاکم بر مردم...90

حقّ در راه ماندگان...90

حقّ مسکینان و نیازمندان...91

حقّ کارگران...92

حقّ زرتشتیان...94

حقّ مسیحیان...94

حقّ اهل ذمه...95

عدم تبعیض میان مردم...95

نقی هرگونه مردم آزاری...96

چهل حدیث از امام رضا علیه السلام...97

کتاب نامه...107

ص: 4

اکنون که متن حروف نگاری شده کتاب برای آخرین بازبینی در اختیار نگارنده قرار گرفته است؛ یادآوری دو نکته ضروری می نماید: الف) ایده تألیف این کتاب پس از تدوین و نگارش مدخل «زیارت» به قلم نگارنده برای دائرةالمعارف آستان قدس رضوی شکل گرفت، و دستمایه اولیه آن نیز مقاله استاد محترم جناب حجة الاسلام والمسلمین آقای رسول جعفریان با عنوان «شماری از زائران سنی امام رضا علیه السلام تا قرن ششم» بود که در مجله زائر، شماره 55-56 (صفحات 65 تا 67) به سال 1378 هـ- ق به چاپ رسیده است. از سیزده منبع مورد استفاده ایشان، نگارنده به کتاب رقیة القلم دسترسی پیدا نکرد؛ از این رو، بقیه منابع را از نزدیک مطالعه کرده و به همان مأخذ اصلی ارجاع داده است، با این حال اَلْفَضْلُ لِلْمُتَقَدِّمِ. ب) پس از به پایان رسیدن نگارش و تصویب این کتاب، اثر آقای محمد محسن طبسی با نام امام رضا علیه السلام به روایت اهل سنت در پاییز 1388 در شهر مقدس قم (انتشارات دلیل ما) به زیور طبع آراسته شد، که دفتر دوم و هفتم آن با فصل دوم و سوم این کتاب شباهت ها و همانندی هایی دارد، البته اثر آقای طبسی مفصل تر است.

(بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ الْمُؤْمِنِينَ إِخْوَةً؛ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ الَّذِي أَرْسَلَهُ رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ وَأَهْلَ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَأَصْحَابِهِ الْمُتَتَجِبِينَ.)

قرآن کریم با تعیین و تبیین سنن و اسماء حُسنای الهی و حقوق و نیازهای اساسی انسان و راه های حفظ و تأمین آن ها، نوعی نظام اجتماعی و الگوهای روابط فردی و جمعی را بر اساس خدا محوری، آخرت بینی و ارتباط و پیوند هر چه بیشتر فرد با خدا، رسول خدا صلی الله علیه و اله اولیای الهی و مؤمنان به وجود می آورد که گستره ای سالم، معتدل، پویا و زایا از انواع ارتباطات است. همه افراد می توانند بر اساس این نظام اجتماعی و پیروی از الگوهای آن مطابق وُسع و توانایی خویش به انجام عمل صالح به صورتی فعال و خلاق در جهت نیل به «سعادت و کمال و زندگی سالم در جامعه سالم» که هدف عمده تشریع دین مبین اسلام است، دست یازند. زیارت از مؤلفه های مهم این شبکه ارتباطات است.

از منظر قرآن مجید، رسول خدا صلی الله علیه و اله همواره میان انسان هاست:

(وَاعْلَمُوا أَنَّ فِيكُمْ رَسُولَ اللَّهِ) (1) تا رسالت خویش یعنی تلاوت آیات، تزکیه و تعلیم کتاب و حکمت را برای همه مردم به انجام رساند: (هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ... وَآخَرِينَ مِنْهُمْ) (2). از این رو، وظیفه همه مسلمانان است که با توجه به این جایگاه بی بدیل رسول خدا صلی الله علیه و اله، یادگیری و فهم کلام خدا (قرآن) را با یاد و نام آن حضرت و مطابق تعالیم ایشان آغاز کنند و به سامان برسانند: (وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ) (3) و همواره، به ویژه در صبح و شام و آغاز و انجام هر کار و برنامه ای علاوه بر تسبیح خداوند سبحان، پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله را با تعظیم و تکریم یاد کنند؛ و با یادآوری سیره و سنت مرضیه آن حضرت به عنوان اسوه حسنه، بر پایه آن زندگی و برنامه ریزی کنند: (إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَ مُبَشِّرًا وَ نَذِيرًا * لِيُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ تُعَزِّزُوا وَ تُوقِّرُوا وَ تُسَبِّحُوا بُكْرَةً وَأَصِيلًا)؛ (4) و تسلیم فرامین آن حضرت باشند: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِيمًا). (5)

کسانی که سوی رسول خدا صلی الله علیه و اله می روند و به آن حضرت سلام

ص: 8

1- حجرات (49): 7.

2- جمعه (62): 2 و 3.

3- نحل (16): 44.

4- فتح (48): 8 و 9.

5- احزاب (33): 56.

می کنند، یقیناً سلام خداوند متعال را از طریق آن حضرت دریافت می کنند: (وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ) (1) و اگر در وظایف خویش کوتاه کرده و عمل نادرستی را از روی ناآگاهی و جهالت مرتکب شده باشند، با دیدار رسول خدا صلی الله علیه و اله برای این که ایشان برای آنان استغفارکنند، البته، توبه شان مورد قبول خداوند رحمان قرار می گیرد و مشمول رحمت او می شوند: (وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا)؛ (2) البته در صورتی که آنان نیز همراه طلب غفران از درگاه خداوند در صدد جبران و اصلاح باشند: (كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ). (3)

به یقین رسول خدا صلی الله علیه و اله از هرگونه سختی و مشکلی که بر مردم وارد می شود، آگاهند و برای ایشان نیز گران و ناگوار است: (لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ). (4)

بنابراین، زیارت اگر با شناخت و معرفت زائر از سیره امام علیه السلام

ص: 9

1- انعام (6): 54.

2- نساء (4): 64.

3- انعام (6): 54.

4- توبه (9): 128.

همراه شود، زمینه هم آوایی و هم نوایی زائر را با آموزه های الهی قرآن مبین و سیره پیغمبر اکرم صلی الله علیه و اله فراهم می آورد و آن را تحکیم و استوار می سازد؛ زیرا در فضا و فرهنگ زیارت، توجه و دقت زائر به خداوند حکیم که همه چیز به دست با کفایت اوست و تلاوت کلام و سخن او و بازخوانی سیره ولی او و نظر به آغاز و انجام زندگی بیش از پیش جلب می گردد؛ و از آن جا که سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و اله برگرفته از قرآن عظیم و تعالیم الهی است و به همین ترتیب، سیره ائمه اهل بیت علیهم السلام نیز مستند به قرآن کریم و سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله است، زیارت می تواند بستر رشد و تعالی و برنامه ریزی برای بهتر زیستن را فراهم کند. (1)

زیارت مرقد مطهر نبی اعظم صلی الله علیه و اله و دیگر قبور اولیای الهی مورد تأکید همه مذاهب اسلامی است، (2) گرچه در جواز و مشروعیت برخی از آداب زیارت، فقهای مذاهب اسلامی نظرات مختلفی

ص: 10

1- برای مطالعه بررسی آثار مختلف زیارت نگاه کنید به: مجموعه مقالات هم اندیشی زیارت، 1387ش؛ عابدی، احمد، فلسفه زیارت (شرح و تحقیق رساله «زیارة القبور» امام فخر رازی).

2- جزیری، عبدالرحمن، الفقه على المذاهب الأربعة، ج 1، ص 711 - 712؛ مغنیه، محمد جواد، الفقه على المذاهب الخمسة، ص 284؛ سمهودی، علی، وفاء الوفا باخبار دار المصطفی، ج 4، ص 1360 - 1364؛ سبکی، عبد الوهاب، طبقات الشافعية الكبرى، ج 3، ص 384 و 412.

دارند. (1) البته، این اختلاف محدود به مذاهب عمده فقهی جهان اسلام (2) نیست بلکه حتی میان فقیهان یک مذهب نیز این اختلاف دیدگاه وجود دارد.

اصولاً از منظر قرآن حکیم، اختلاف و تفاوت یکی از مظاهر آیات الهی و امری طبیعی است که خداوند حکیم آن را در همه پدیده های عالم به وجود آورده است؛ چنان که اختلاف شب و روز و اختلاف زبان ها و رنگ ها و نژادها و قبیله ها نشانه هایی از حکمت گسست ناپذیر خداوند عزیز است که دانایان آن را در می یابند و می پذیرند: (وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالاخْتِلَافُ اَللّٰی يَتَنَزَّلُ فِي ذٰلِكَ لَاٰیَاتٍ لِّلْعٰلَمِیْنَ). (3)

هدف از این اختلاف و تفاوت: ابتلاء، استباق در خیرات، رشد و تکامل و شناخت هر چه بهتر رحمت و نعمت های الهی و استفاده هر چه بهینه از آن است: (لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَ مِنْهَا جَاءَ لَوْ شَاءَ اللّٰهُ لَجَعَلَكُمْ اُمَّةً وَّاحِدَةً وَ لَكِنْ لِّيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ اِلَى اللّٰهِ مَرْجِعُكُمْ

ص: 11

1- ابن حجر هیثمی، احمد بن محمد، الجوهر المنظم فی زیارة القبر الشریف النبوی المکرم، ص 114 - 117؛ شهید اول، محمد بن مکی عاملی، الدروس الشرعیة فی فقه الامامیة، ج 2، ص 24 - 25.

2- مذاهب عمده فقهی عبارتند از: امامیه، زیدیه، حنفیه، مالکیه، شافعیه و حنبلیه.

3- روم (30): 22.

جَمِيعًا فَيَسْئَلُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ. (1)

از این رو، خداوند یکتا از همه پیروان ادیان خواسته است که دین را اقامه کنند و از تفرّق و تفرقه افکنی و تفرقه انگیزی بپرهیزند: (شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ)؛ (2) و به طور خاص به مسلمانان سفارش می کند که مانند پیشینیان از تفرقه و اختلاف دوری کنند: (وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاحْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ). (3)

در آیه فوق به اختلاف و تفرقه اشاره شده است. «اختلاف با تفرقه تفاوتی اساسی دارد: اختلاف پدیده‌های طبیعی و اجتناب ناپذیر است اما تفرقه، امری غیر طبیعی و اجتناب پذیر است. باید اختلاف بینش ها و نگرش ها را در چارچوب طبیعی آن ها محدود کرد تا به

ص: 12

1- برای هر [دین و مذهب و گروهی] از شما آیین و روشی مقرر کردیم؛ و اگر خدا می خواست شما را امتی واحد [پیرو یک دین و مذهب] قرار می داد، ولی می خواهد در آن چه که به شما داده است، شما را بیازماید؛ از این رو در [انجام دادن و به دست آوردن] نیکی ها [بریکدیگر] سبقت بگیرد؛ بازگشت همه شما به پیشگاه خداست و شما را از علل و موارد اختلافان آگاه می سازد [و میان شما داوری می کند] (مائده (5): 48؛ نیز نگاه کنید: شوری (42): 8؛ نحل (16): 93؛ هود (11): 118).

2- شوروی (42): 13.

3- آل عمران (3): 105. نیز نگاه کنید: انعام (6): 108؛ حجرات (49): 9 - 13؛ روم (30): 30 - 32؛ مؤمنون (23): 52 و 53؛ آل عمران (3): 19.

تفرقه نینجامد. تفرقه هنگامی بروز می کند که موارد وفاق و اتفاق در نظر گرفته نشوند و بر فرق ها و اختلاف ها پافشاری شود به گونه ای که پیروان یک دین با وجود ایمان داشتن به خدای یکتا و پیروی از پیامبر و کتاب و قبله ای واحد، یکدیگر را گمراه، کافر، و اهل باطل و دشمن یکدیگر بپندارند». (1)

بنابراین توضیح، منظور از «اختلاف» در سخن رسول خدا صلی الله علیه و اله که فرمودند: «اختلاف اُمّتی رحمۀ»، (2) و «تفاوت» در کلام امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام که فرمودند: (لَا يَزَالُ النَّاسُ بِخَيْرٍ مَا تَقَاوَتُوا فَإِذَا اسْتَوَوْا هَلَكُوا)، (3) اختلاف و تفاوت هایی است که موجب تفرقه و فساد و تباهی جامعه نمی شوند.

برپایه تعالیم رسول خدا صلی الله علیه و اله و آموزه های مکتب اهل بیت علیهم السلام نیز هرگونه تفرقه انگیزی و فراقنی و دوری از جماعت، تکاثر طلبی

ص: 13

1- لسانی فشارکی، محمد علی، «تفرقه (1)»، دانشنامه جهان اسلام، ج 7، ص 615.

2- اختلاف اُمّت من یکی از مظاهر رحمت الهی است (فضل بن شاذان، الايضاح، ص 39؛ ابن رستم طبری، محمد بن جریر، المسترشد في الامامة، ص 572؛ جصاص، احمد بن علی، احکام القرآن، ج 2، ص 37؛ ابن بابویه، محمد بن علی، علل الشرایع، ج 1، ص 85).

3- مردم تا زمانی که متفاوتند از خیر و امتیاز برخوردارند و اگر همه با هم برابر، باشند هلاک خواهند گردید (ابن بابویه، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 80).

و برتری جویی، عجب و خودپسندی، تمسخر و تحقیر و ناسزاگویی به شدت نهی شده و عمل بر طبق تعالیم قرآن مبین و سنت رسول خدا صلی الله علیه و اله تأکید شده است. (1)

بنابراین، اختلاف دیدگاه‌ها درباره زیارت و آداب آن، نباید موجب شود که پیروان مذاهب مختلف یکدیگر را به خروج از اسلام تهدید کنند و نسبت‌های ناروا به یکدیگر بدهند؛ زیرا هدف از زیارت، تحکیم ارتباط قلبی با خداوند متعال و رسول خدا و اولیای الهی برای اصلاح بینش و منش انسان و قرار گرفتن در صراط مستقیم بندگی خداوند سبحان است.

حضرت امام محمد باقر علیه السلام خطاب به جابر می‌فرمایند:

«ای جابر! آیا صرف این که شخصی بگوید من اهل بیت علیهم السلام را دوست دارم، برای ادعای تشیع و پیروی او از ما کفایت می‌کند؟ سوگند به خدا پیرو و شیعه ما کسی است که تقوا و حدود الهی را

ص: 14

1- بنگرید به: حسینی، سید شهاب الدین، سلسلة الاحادیث المشتركة (13)، الوحدة الإسلامية في الاحادیث المشتركة بين السنة والشيعة و ترجمه آن به فارسی به قلم محمد تقدیمی صابری با عنوان اتحاد و انسجام اسلامی در احادیث مشترک میان اهل سنت و شیعه؛ لسانی فشارکی، محمد علی، «جماعت (1)»، دانشنامه جهان اسلام، ج 10، ص 605 - 607؛ محسنی، محمد آصف، تقریب مذاهب از نظر تا عمل؛ واعظ زاده خراسانی، محمد، «راه‌های تقریب مذاهب و وحدت مسلمانان»، مطالعات اسلامی، شماره 60، ص 19-50.

رعایت و فرامین خدا را اطاعت کند. ای جابر! اینان شناخته نمی شوند مگر با داشتن این اوصاف:

- متواضع و خاشعند؛

- در امانت خیانت نمی کنند؛

- خداوند متعال را بسیار یاد می کنند؛

- نماز را اقامه و به پدر و مادر نیکی و احسان می کنند؛

- روزه می گیرند؛

- نسبت به همسایگان و مجاوران به ویژه فقرا و مسکینان و بدهکاران و یتیمان و افراد بی کس و کار تعهد و توجه دارند؛

- صادق و راستگو هستند؛

- قرآن را تلاوت و از آن پیروی می کنند؛

- با مردم به درستی و زیبایی سخن می گویند و جز از خوبی آنان نمی گویند؛

- امانتدار و امین مردم اند.

جابر پس از شنیدن این ویژگی ها [با تعجب] گفت: ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و اله امروز ما کسی که این صفات را داشته باشد نمی شناسیم!

امام فرمودند: ای جابر! مذاهب مختلف و آیینی که فرد ادعای پیروی از آن را دارد تو را نفریبند و به گمراهی و ضلالت نیفکنند. [آیا] پندار فردی که می گوید: من علی را دوست دارم

ص: 15

و او را ولیّ خود قرار داده ام ولی با این حال [در انجام امور و وظایف خویش بر پایه سیره علی علیه السلام] فعّال نیست! یا تصوّر فردی که بگوید: من رسول خدا صلی الله علیه و اله را دوست دارم - در حالی که مقام و منزلت رسول خدا صلی الله علیه و اله برتر از علی علیه السلام است - ولی از سیره ایشان پیروی نکند و بر اساس سنّت آن حضرت عمل ننماید [او را کفایت می کند؟]

صرف محبّت و دوست داشتن به حال او سودی ندارد. بنابراین، از نافرمانی خدا بپرهیزید و بر پایه آن چه نزد خدا و رضایت اوست، عمل کنید [زیرا] خداوند با [هیچ مذهب و گروه و] فردی، قرابت و خویشی ندارد. خداوند عزیز و متعال، بیش از همه، بندگان را دوست دارد که از دیگران با تقوا تر و در عمل به دستورها و فرامین او کوشا تر باشند.

ای جابر! سوگند به خدا، جز با اطاعت و فرمانبری از خداوند تبارک و تعالی نمی توان به او تقرّب و نزدیکی جست؛ همراه ما برائت نامه از آتش جهنم نیست [یعنی صرف ادّعای تشیّع و محبّت اهل بیت علیهم السلام سبب دوری از آتش نمی شود] و چنین شخصی نزد خداوند حجتی [برای رهایی از آتش] ندارد؛ هر کس، مطیع خداوند باشد پس او ولیّ و دوست ماست؛ و هر کس خدا را نافرمانی و معصیت کند، او دشمن ماست. ولایت و پیوند با ما جز با عمل کردن و ورع (کوشش و دقّت

در پرهیز از گناه) به دست نمی آید (کلینی، الاصول من الکافی، ج 2، ص 73-74). (رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَ اغْفِرْ لَنَا وَلَا تُخَوِّنَا
الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ)

محسن رجبی قدسی

پژوهشگر بنیاد پژوهش های اسلامی

17 شعبان المعظم 1430 هـ - ق - 18 مرداد 1388

مشهد مقدس

ص: 17

فصل اوّل: قرآن و سنت در سیره امام رضا علیه السلام

امام علی بن موسی الرضا علیه السلام بنا بر قول مشهور در یازدهم ذیقعدہ سال 148 قمری در مدینہ بہ دنیا آمد و با بہرہ گیری از بینش و منش الہی پدر بزرگوارش امام موسی بن جعفر علیہما السلام کہ برگرفته از قرآن کریم و سیرہ نبوی بود، رشد و تعالی یافت.

ہنوز بیست و اندی از عمر شریفش نمی گذشت کہ در مسجدالنبی در مدینہ بہ سؤالات مردم پاسخ می داد و اہل فتوی بود (1) و اگر عالمی در پاسخ مسئلہ ای خود را ناتوان می یافت ہمہ او را نزد علی بن موسی الرضا علیہما السلام می فرستادند تا پاسخ خود را

ص: 19

1- ابن نجار بغدادی، محمد بن محمود، ذیل تاریخ بغداد، ج 4، ص 134 - 135؛ ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، تہذیب التہذیب، ج 7، ص 239؛ جوینی خراسانی، ابراہیم بن سعدالدین محمد، فرائد السمطین، ج 2، ص 199؛ نیز کلینی، محمد بن یعقوب، الفروع من الکافی، ج 4، ص 23.

امام رضا علیه السلام حامل قرآن کریم و آگاه به سنت پیامبر اعظم صلی الله علیه و اله آن دو بود (2) و می فرمود: «ما پیرو رسول خدا صلی الله علیه و اله و تسلیم اوامر و نواهی آن حضرتیم؛ همچنان که رسول خدا صلی الله علیه و اله تابع اوامر خدا و تسلیم فرامین او بود. خداوند متعال می فرماید: (وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا) (3). (4)

امام علیه السلام تأکید داشت، «آن چه را که کتاب خدا و سنت به درستی آن گواهی دهد، ما گوینده آن هستیم» (5).

ایشان همواره مردم را به پیروی از قرآن و سیره مرضیه رسول خدا صلی الله علیه و اله دعوت می کردند و پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله را اسوة حسنه

ص: 20

1- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج 49، ص 100؛ و نیز فضل الله بن روزبهان، وسیلة الخادم الی المخدوم در شرح صلوات چهارده معصوم علیهم السلام، ص 217.

2- مثلاً امام می فرمود: (إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ نَرَى مَا وَعَدْنَا عَلَيْنَا دِينًا كَمَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) یعنی، ما خانواده ای هستیم که وعده و قول خود را دین و بدهی می دانیم [که باید حتماً آن را به انجام برسانیم] چنان که رسول خدا صلی الله علیه و اله این گونه عمل می کرد (طبرسی، علی، مشکاة الانوار فی غرر الأخبار، ص 301).

3- «و آن چه پیامبر در اختیار شما قرار داد، بگیرید و از آن چه نهی کرد، خوداری کنید» (حشر (59): 7).

4- ابن بابویه، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 1، ص 687.

5- (مَا شَهِدَ بِهِ الْكِتَابُ وَ السُّنَّةُ فَنَحْنُ الْقَائِلُونَ بِهِ) (همو، التوحید، ص 115).

حسن بن الحسین انباری می گوید: از ابوالحسن الرضا علیه السلام درباره کار در دربار خلفا و سلاطین اجازه خواستم... ابو الحسن علیه السلام نوشت: نامه ات را خواندم و از بیمی که در این شغل بر خود داری آگاه شدم. اگر می دانی که هرگاه متصدی کاری شدی، طبق دستورات رسول خدا صلی الله علیه و اله عمل می کنی و دستیاران و دبیران تو از هم کیشان تو خواهند بود و از در آمدی که از این راه به دست می آوری، بخشی را به مؤمنان نیازمند می دهی تا همانند ایشان باشی؛ اگر چنین کنی، کار تو در دربار سلاطین با خدمت به مردم جبران می شود و گرنه خدمت در دربار آن ها جایز نیست. (1)

امیر خالد بن احمد بن خالد ذهلی که حاکم بسیاری از مناطق خراسان و بخارا بوده است (2) به نقل از پدرش می گوید: «من در نیشابور پشت سر علی بن موسی الرضا نماز خواندم در حالی که او (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) را در آغاز هر سوره ای با حالت جهر (صدای بلند) می خواند و می گفت رسول خدا صلی الله علیه و اله نیز همین گونه عمل می کرد» (3)

ص: 21

-
- 1- کلینی، محمد بن یعقوب، الفروع من الکافی، ج 5، ص 111.
 - 2- خطیب بغدادی، احمد، تاریخ بغداد، ج 8، ص 310.
 - 3- ابن نجار بغدادی، محمد بن محمود، ذیل تاریخ بغداد، ج 4، ص 138.

حضرت رضا علیه السلام انس و مجالستی عمیق و دقیق با قرآن کریم داشت؛ ابراهیم بن عباس صولی می گوید:

«تا آن زمان فردی عالم تر و آگاه تر از او، بر آن چه بر روزگار گذشته است، ندیده بودم؛ مأمون با طرح مسائل مختلف و پرسش از هر چیزی ایشان را می آزمود و وی پاسخ سؤال های او را می داد؛ سخنان، پاسخ ها و تمثیل های [حضرت] رضا همه برگرفته از قرآن و مستند به آن بود. ایشان [گاهی] طی سه شبانه روز قرآن را با تلاوتی متدبّرانه ختم می کرد».⁽¹⁾

رجاء بن ابی ضحاک که مأمور آوردن امام علیه السلام از مدینه به مرو بود، می گوید:

«به هر شهر و منطقه ای که وارد می شدیم مردم آن جا درباره نشانه ها و ویژگی های دین و دینداری سؤال می کردند و ایشان اغلب مسائل آنان را با نقل روایت از پدرش و او از پدرانش از علی از رسول خدا صلی الله علیه و اله پاسخ می داد».⁽²⁾

ص: 22

1- ابن بابویه، محمد بن علی، عیون اخبار الرضاء علیه السلام، ج 2، ص 419 - 420. چنان که فرمود: (مَا مَرَزْتُ بِآيَةٍ قَطُّ إِلَّا فَكَّرْتُ فِيهَا وَفِي أَيِّ شَيْءٍ أُنْزِلَتْ) یعنی، هر آیه ای را که تلاوت می کنم آن را با تفکر و تدبر می کاوم تا هدف و مراد خدا از نزول آن را دریابم (همان جا).

2- همان، ص 429.

حضرت رضا علیه السلام قرآن کریم را معیار سنجش حق و باطل و صحت و سقم احادیث می دانست و می فرمود: «اگر روایات مخالف قرآن باشد من صدور آن ها را [از ناحیه رسول خدا صلی الله علیه و اله و ائمه اهل بیت علیهم السلام] تکذیب می کنم». (1) در اندیشه امام رضا علیه السلام، قرآن کتابی مفصل و مبین است نه مجمل و مبهم؛ یعنی «در قرآن همه چیز به تفصیل ذکر شده و حلال و حرام و حدود و احکام و همه آن چه مردم به آن نیاز دارند، بیان و تبیین شده است»؛ (2) «قرآن، حبل الله (3) و عروة الوثقی الهی (4) و راه روشن و صراط مستقیم خداست که به بهشت می رساند و از آتش می رهند و بر اثر مرور زمان دچار کهنگی و فرسودگی نمی گردد و خداوند آن را برای زمانی محدود و معین قرار نداده است، بلکه حجت و دلیل و برهان خدا برای

ص: 23

-
- 1- «فقال ابو الحسن الرضا علیه السلام: إذا كانت الروایات مخالفة للقرآن كذبتها» (کلینی، محمد بن یعقوب، الاصول من الکافی، ج 1، ص 96، ابن بابویه، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا، ج 1، ص 688 - 689).
 - 2- (إِنَّا لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يَقْبِضْ نَبِيَّهُ حَتَّى أَكْمَلَ لَهُ الدِّينَ وَأَنْزَلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنَ فِيهِ تَبَيَّنَ كُلُّ شَيْءٍ بَيِّنٍ فِيهِ الْحَلَالُ وَالْحَرَامُ وَالْحُدُودُ وَالْأَحْكَامُ وَ جَمِيعَ مَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ النَّاسُ كَمَلًا فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ: (مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ) (کلینی، محمد بن یعقوب، الاصول من الکافی، ج 1، ص 199).
 - 3- اشاره به آیه 103 سوره آل عمران: (وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا).
 - 4- دستگیره محکم و مطمئن

همه انسان ها در همه زمان هاست که هیچ گونه باطلی به آن راه ندارد چرا که از سوی خداوند حکیم و حمید نازل شده است»؛ [\(1\)](#) «قرآن دربر دارنده همه مطالب کتب آسمانی پیشین است و از آغاز تا پایش حق و صحیح است». [\(2\)](#)

ص: 24

1- ابن بابویه، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 286.

2- همان، ص 262.

ائمه اهل بیت علیهم السلام همواره مورد توجه و احترام اهل سنت و جماعت (1) بوده و هستند و آنان نیز عشق و مودت خود را به ساحت پاک خاندان رسول خدا صلی الله علیه و اله و اهل بیت او اعلام و اظهار می دارند. البته حساب حاکمان ستمگر بنی امیه و بنی عباس و ناصبی ها از اهل سنت و جماعت جداست؛ زیرا آنان علاوه بر ظلم و ستم های

ص: 25

1- از منظر خلافت و جانشینی رسول خدا صلی الله علیه و اله و دیدگاه مسلمانان نسبت به چهار خلیفه اول (خلفای راشدین)، مسلمانان به سه گروه «اهل سنت و جماعت»، «شیعیان» و «خوارج» تقسیم شده اند که هر یک از آن ها از نظر فقهی چند شاخه اند؛ اهل سنت و جماعت از نظر فقهی به چهار مذهب: حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی تفکیک می شوند. شیعیان نیز به سه دسته: امامیه (دوازده امامی)، زیدیه و اسماعیلیه تقسیم می شوند. آزارقه و اباضیه نیز دو گروه خوارج اند که اکنون مذهب اباضی در عمان و شمال آفریقا پیروانی دارد (برای مطالعه بیشتر به دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ذیل همین عناوین مراجعه کنید).

فراوانی که به ائمه طاهرين عليهم السلام روا داشتند، هر صحابی و عالم آزاداندیشی را نیز تحت فشار قرار می دادند. چنان که ابو حنیفه (150 هـ - ق) امام و پیشوای حنفیان به علت حمایت مالی از قیام زید بن علی فرزند امام سجاد علیه السلام در سال های 121 و 122 هـ - ق و نپذیرفتن منصب قضا در زمان حکومت مروان دوم در سال 129 هـ - ق مجبور شد کوفه را ترک و دو سال آخر حکومت امویان را در مکه بگذراند. همچنین او با سفاح اولین خلیفه عباسی بیعت نکرد و چون از قیام ابراهیم بن عبدالله حسنی در بصره بر ضد خلافت منصور حمایت کرد و مردم را به یاری ابراهیم فراخواند و منصب قضا را که از سوی منصور به او پیشنهاد شد نپذیرفت، منصور عباسی را بر آن داشت که او را در بغداد، زندانی کند که پس از چند روز حبس در همان جا درگذشت. (1)

ابن راهویه (238 هـ - ق)

او فقیه، محدث و مفسر قرآن مجید، مصاحب و هم طراز امام محمد بن ادریس شافعی بود که محدثان بزرگی چون بخاری، مسلم نسائی و امام احمد بن حنبل از او حدیث شنیده و در کتب

ص: 26

1- پاکتچی، احمد، «ابوحنیفه»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج 5، ص 381.

خود نقل کرده اند. (1) در سال 200 هجری قمری که امام رضا علیه السلام به حوالی نیشابور رسید، ابن راهویه و چند تن دیگر از بزرگان و مشایخ نیشابور (2) به همراه هزاران تن از مردم آن شهر تا روستای مؤیدیه در بیرون شهر به استقبال امام رفتند. ابن راهویه به نشانهٔ مودت و احترام، مهار مرکب امام رضا علیه السلام را به دوش کشید و گفت: «به روز قیام (3) [نزد] ملک علاّم جلّ جلاله (4) وسیله نجات (5) و وسیلهٔ فلاح (6) من این است روزی در دنیا خادم و مهارکش مرکب حضرت سلطان [امام رضا] خود بوده ام». (7)

ص: 27

-
- 1- رفیعی، علی، «ابن راهویه»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج 3، ص 540.
 - 2- از جمله محمد بن اسلم طوسی (242هـ - ق) (حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، تاریخ نیشابور، ص 208)، یاسین بن نصر، احمد بن حرب، یحیی بن یحیی (ابونعیم اصفهانی، ذکر اخبار اصبهان، ج 1 ص 138)؛ محمد بن رافع و احمد بن حارث (ابن بابویه، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 296).
 - 3- قیامت.
 - 4- خداوند دانا که بزرگی و عظمت او با شکوه و ارجمند است.
 - 5- نجات و پیروزی.
 - 6- سبب رستگاری.
 - 7- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، تاریخ نیشابور، ص 208.

محدث، قاضی و فقیه مشهور شافعی (1) در معرفی امام رضا علیه السلام می نویسد: «امیر المؤمنین علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب (رضی الله عنهم) الرضا ابوالحسن الامام الشهيد (2) ... سلطان اولیا (3)، برهان اتقیا (4)، وارث علوم المرسلین مهبط اسرار رب العالمین (5)، ولی الله (6)، صفی الله (7)، فلذة کبد رسول الله (8)، غوث الامة و کشف الغمة (9) ...، سلطان المقرّبین يوم الحشر و الجزاء الامام ابو الحسن علی بن موسی الرضا صلوات الله و سلامه علی رسول الله و علی آله الائمة المعصومین و اتباعهم اجمعین الى

ص: 28

-
- 1- برای مطالعه زندگی و آثار او نک: باغستانی، اسماعیل، «حاکم نیشابوری»، دانشنامه جهان اسلام، ج 12، ص 433.
 - 2- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، تاریخ نیشابور، ص 91.
 - 3- سرآمد دوستان و یاران خدا.
 - 4- دلیل پارسایان و حجت حافظان حدود الهی.
 - 5- جایگاه فرود و دریافت اسرار پروردگار عالمیان.
 - 6- دوست و یاور خدا؛ به خدا پیوسته.
 - 7- برگزیده خدا: کسی که زندگی اش خالص برای خدا بود.
 - 8- جگر گوشه و پاره تن رسول خدا.
 - 9- فریادرس و پناهگاه مردم و اندوه زدای دلتنگی ها.

ابن اثیر (604 هـ - ق)

ابو السعادات مجدالدین مبارک بن محمد شیپانی مشهور به ابن اثیر، رجالی، مفسّر، محدّث و فقیه شافعی، فضایل ابوالحسن علی ابن موسی الرضا را غیر قابل شمارش می داند. (2)

ابن طلحه (652 هـ - ق)

شاعر، قاضی و فقیه شافعی در بیان مناقب امام رضا علیه السلام می آورد: «کسی که در شخصیت ایشان تأمل کند در می یابد که علی ابن موسی به حق، وارث امیرالمؤمنین علی و زین العابدین علی بن الحسین است... ایمان آن حضرت، بالنده؛ برهانش آشکار و روشن؛ یارانش بسیار؛ استعداد و توانش، گسترده و استوار؛ والا مقام، بلندپایه، عزیز، محبوب، نیرومند و بانفوذ است.

فضایل و سیرت و منش او والا و شکوهمند، صفات و شخصیت او درخشان و نورانی، و مکارم اخلاق و خصلت های ایشان، پیامبرگونه است. کرامت، شرافت و سخاوت جزو ذات و

ص: 29

1- حاکم نیشابوری، محمد بن عبد الله، تاریخ نیشابور، ص 207.

2- ابن اثیر، مجدالدین مبارک بن محمد، تنمّة جامع الاصول من احادیث الرسول ج 2، ص 715.

اصالت اوست. هر آن چه از امتیازات ایشان شمارش شود، باز هم کم گفته شده و والاتر از آن است؛ و هر اندازه از مناقب آن حضرت گفته و تبیین شود، رتبه و درجه ایشان بالاتر از آن خواهد بود». (1)

جوینی خراسانی (703 هـ - ق)

*جوینی خراسانی (703 هـ - ق) (2)

وی در ذکر مناقب امام ثامن، حضرت رضا علیه السلام را آشکار کننده اسرار و هویداگر امور ناشناخته، سرچشمه کرامت و برکت و فرخندگی که فرهیختگان و خجستگان از او پیروی می کنند، می داند؛ شاکله شخصیتش استوار، مرقدش رفیع، بسیار بخشنده و

ص: 30

-
- 1- ابن طلحه، ابو سالم کمال الدین محمد، مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول، ص. 295.
 - 2- ابراهیم بن سعد الدین محمد جوینی خراسان یا حموی، شیخ الاسلام، حافظ و محدث اهل سنت که علاوه بر علمای اهل سنت از بزرگان شیعه امامیه مانند محقق اول، ابن طاووس، خواجه نصیر طوسی و شیخ یوسف بن مطهر پدر علامه حلی نیز روایت کرده است. مدرس تبریزی می نویسد: (گویا) به همین جهت و یا به استناد پاره ای احادیث مرویه در کتاب اوست که صاحب ریاض العلماء و بعضی دیگر به شیعه بودنش معتقد بوده اند، غافل از این که موافق تصریح بعضی از اجله، در چندین جا از کتاب خود به خلافت خلفا تصریح کرده و به نقل فضائل ایشان پرداخته است... شیخ ابراهیم تألیف سودمند بسیاری دارد که بین الفریقین مشهور و اشهر همه کتاب فرائد السمطين فی فضائل المرتضى و البتول و السبطین والائمة من ذریتهم است... او در سال 722 هـ. ق در هفتاد و هشت سالگی در عراق در گذشت (مدرس تبریزی، میرزا محمد علی، ریحانة الادب، ج 2، ص 76).

با سخاوت، ریزش ابر وجودش فراگیر، الطافش خلل ناپذیر، حمایت و پناهش بسیار، امیر بزرگان، نور چشم آل یاسین و خاندان عبد مناف، پاک و معصوم، آگاه به حقایق علوم و دانا به رموز اسرار مکتوم و خبردهنده از آینده و گذشته و آن چه منقضی و آن چه منقضی گشته، مورد رضایت خداوند سبحان و در همه احوال از او راضی؛ از این رو، علی بن موسی - که درود خداوند بر محمد و خاندان او باد - به «رضا» ملقب گردید. (1)

ذهبی (748 هـ - ق)

شمس الدین محمد بن احمد بن عثمان ذهبی، حافظ محدث و مؤرخ شافعی، علم و بیان و دیانت امام رضا علیه السلام را بسیار رسانی داد که در دل ها نفوذ دارد و ایشان از آن چنان شأن و مقامی بس بزرگ برخوردار بود که شایستگی خلافت و زمامداری مسلمین را داشت. (2)

ابن صباغ مالکی (855 هـ - ق)

ابن صباغ محدث و فقیه مالکی به نقل از برخی پیشوایان اهل علم آورده است: «مناقب علی بن موسی الرضا از ارجمندترین و

ص: 31

1- جوینی خراسانی، ابراهیم بن محمد، فرائد السمطين، ج 2، ص 187.

2- ذهبی، محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج 9، ص 388 و 392؛ ج 13، ص 121.

فراترین مناقب، و فضایل و کرامات او متوالی و بدون گسست، و دوستی و پیوستگی با ایشان مورد ستایش و پسند همگان است؛ ویژگی های شگفت انگیز او بی نظیر و سیادت و سرپرستی، و شرافت و نجابتش در اوج است؛ دوستدارش طالع سعادت را یافته اند و مخالفان و معارضانش دچار نحوستی فرا گیرند.

شرف پدرانش از صبح روشن، شهیرتر و از خورشید گرد تابان، درخشنده تر؛ اخلاق و سیرت و صفات و بینش و منش و نشانه های او تورا از هرگونه فخرفروشی باز می دارد و تبار والای او تورا به روش و شیوه ای که از پدرانش به ارث برده و فرزندانش میراث دار اویند رهنمون می شود. همه آنان در کرم و سخاوت و پاکی و طهارتِ جسم و روح مانند دندانه های شانه متعادل و برابرند. عزّت و افتخار نصیب اهل بیت والا مقام و عالی تبار است که ستاره علوّ و بزرگی آنان بر همه ستارگان آسمان، اشراف و برتری دارد. اهل بیت مزین و آراسته به تمامی صفات کمالند... و به مرتبه ای از مجد و تعالی رسیده اند که کسانی که از آنان عقب بیفتند و یا جلوتر بروند، ساقط و بی اعتبار خواهند شد. دشمنان اهل بیت در کاستن از مرتبه و منزلت آنان بسیار تلاش کرده اند و بر مرکبی سخت سوار شده اند [تا بتوانند] به تدریج محاسن و یکپارچگی آنان را متزلزل و پراکنده کنند ولی خداوند ایشان را رفعت و علوّ بخشید

و آنان را جمع و متحد ساخت. دشمنان چه بسیار حقوق اهل بیت را ضایع و تباه ساختند، در حالی که خداوند در رعایت حقوق آنان هیچ اهمال و سستی نورزید». (1)

فضل الله بن روزبهان خنجی (927 هـ - ق)

* فضل الله بن روزبهان خنجی (927 هـ - ق) (2)

وی ارادت و مؤدّت خویش را به امام رضا علیه السلام این گونه بیان می کند: «آن حضرت امام به حق است بی خلاف؛ و مناقب و فضایل آن حضرت را نهایتی نیست؛... کلمات و مناقب و فضایل آن حضرت بسیار ظاهر و مشهور و معروف بود و همه طوایف امت از عرفا و علما و حکما از علوم آن حضرت بهره می برده اند و آثار

ص: 33

-
- 1- ابن صبّاح مالکی، علی بن محمد، الفصول المهمة في معرفة الأئمة، ص 402.
 - 2- متکلم و فقیه شافعی؛ وی احتمالاً در فاصله سال های 850 تا 862 هـ- ق در شیراز تولد یافته و پس از تحصیل مقدماتی در زادگاهش، چند سال در مدینه نزد استادان بنامی، چون امام محمد سخاوی و علی بن ابی عبد الله فرجی تحصیل کرده است. وی در جمادی الثانی سال 909 هـ- ق در شهر کاشان، کتاب ابطال نهج الباطل و اهمال كشف العاقل را در ردّ بر کتاب نهج الحق و كشف الصدق علامه حلّی (726 هـ- ق) نگاشت و در رجب همان سال وسیلة الخادم الی المخدوم در شرح صلوات چهارده معصوم را تألیف کرد. قاضی نورالله شوشتری (1019 هـ- ق) احقاق الحق و ازهاق الباطل و علامه محمد حسن مظفر (1376 هـ- ق)، دلائل الصدق را در ردّ ابطال نهج الباطل ابن روزبهان نوشته است (نک: جعفریان، رسول، مقدمه وسیلة الخادم، ص 7-45).

امامت و وارثت نبوت و وصایت در آن حضرت ظاهر بوده... آن حضرت مهترِ نیکو خصال نیکوکار نیکو سیرت است (1)... آن حضرت جامع انواع محاسن صوری و معنوی و مکارم خَلقی و خُلقی بود و گویا نیکویی، صفت ذات اوست و احسان، صناعت و پیشه او؛ و آن حضرت سند و برهان است که به مردمان قائم گشته جهت اظهار حق؛ و آن حضرت حجت خدای تعالی است بر انس و جان (2)... آن حضرت صاحب جود و مروت و نیکوکاری است. (3)... در او درخشنده است انوار حضرت پیغمبر صلی الله علیه و اله نزد چشم عیان. یعنی ارباب معاینه می دانند که انوار حضرت نبی بر سیمای مبارک آن حضرت ظاهر است و این اشارت است بدان که آثار جمال و کمال حضرت نبی صلی الله علیه و اله از صفحات و وجنات آن حضرت ظاهر و باهر بوده (4)... آن حضرت آیات توحید را بر مردمان مبین گردانیده و اعلام ایمان از اعلام و تعلیم آن بر مردمان ظاهر شده (5)... آن حضرت بررونده است بر بالاترین درجه های علم و عرفان... چنان چه روایت

ص: 34

1- فضل الله بن روزبهان، وسیلة الخادم الى المخدوم، ص 211.

2- همان، ص 212.

3- همان، ص 213.

4- همان، ص 214.

5- همان، ص 215.

کرده اند که جمیع طوایف از ارباب علم و معرفت از آن حضرت استفاده می کرده اند و مشکلات از آن حضرت می پرسیدند؛ فقها، مشکلات فقه و دقایق آن از آن حضرت می آموخته اند؛ و اطبا معضلات علم ابدان از فواید مجلس آن حضرت اندوخته؛ و حکما، معارف الهی و طبیعی از مقتبسات انوار آن حضرت استکشاف می کرده اند و عارفان، آداب طریق حقیقت و اسرار مکاشفات از اطوار سلوک آن حضرت می یافته اند (1)... آن حضرت اقتدا کننده است به رسول الله صلی الله علیه و آله در هر حالی و در هر کاری و شأنی که آن حضرت را پیش آمده (2)».

وی در قسمتی از صلوات خود بر امام رضا علیه السلام به مناسبت ذکر حدیث سلسله الذهب به این تجربه خویش اشاره می کند: «و این فقیر حقیر تجربه کرده ام که هر مریض که او را عیادت کرده و اجل او نرسیده بود من به صدق، این اسناد بر او خوانده ام؛ حق، او را در روز، شفا کرامت فرموده و اثر صحّت فی الحال در او ظاهر شده و این از مجربات فقیر است» (3).

ص: 35

1- همان، ص 217.

2- همان، ص 223

3- همان، ص 217. نیز بنگرید به: طبسی، محمد محسن، حدیث سلسله الذهب از دیدگاه اهل سنت، 70-80.

او در مهمان نامه بخارا نیز از همین تجربه یاد می کند: «از جمله خواص این حدیث یکی آن است که اگر به صدق آن را با اسناد بر بالین خسته خوانند که مشرف به هلاک باشد اگر در اجل او تأخیر باشد فی الحال اثر صحت (1) بر او ظاهر گردد و این فقیر بر بسیاری از خستگان خوانده ام و اثر آن تجربه کرده». (2)

خواندمیر (942 هـ - ق)

او در تاریخ حبیب السیر می نویسد: «اقارب و اجانب از مشرق تا مغرب بر وفور علو شان و سمو مکان آن امام و افرا حسان، اعتراف داشته اند و دارند و افاصلی و ادانی، بلکه جمیع افراد انسانی مناقب و مفاخر آن حمیده مآثر را بر صحایف ضمائر نگاشته اند و می نگارند؛ کرامتش از هر چه تصور توان کرد بیشتر بود و امامتش به موجب نص آبی بزرگوارش معین و مقرر.

سپهر عز و جلالت، محیط علم و فضیلت *** امام مشرق و مغرب ملاذ آل پیمبر

حریم تربت او سجده گاه خسرو انجم *** غبار مقدم او طوطیای دیده اختر (3)

ص: 36

1- در متن تصحیح شده به اهتمام آقای منوچهر ستوده (1384 ش، ص 342) «صمت» آمده که با سیاق کلام ناهماهنگ است.

2- فضل الله بن روز بهان، مهمان نامه بخارا، ص 342.

3- خواندمیر، غیاث الدین بن همام الدین حسینی، تاریخ حبیب السیر، ج 2، ص 83.

در اثری با نام هذا کتاب مناسک الحج و علامات مكة المكرمة شرقها الله تعالى که مؤلف آن از برادران اهل تسنن بوده و به احتمال در قرن دوازدهم قمری تألیف شده پس از اشعاری در مدح خلفای نخستین، آمده است:

چون که علی داشت به خاک انتساب *** کرد نبی کُنیت او بوتراب

وَه که از آن خاک چه گل ها دمید *** نکهت جاوید به عالم وزید

سنبل و گل را به چمن زیب وزین *** موی حسن آمد و روی حسین

آن دو نهال اند که تا روز دین *** بارورند از گل و از یاسمین

هر دم از این باغ بری می رسد *** تازه تر از تازه تری می رسد

آن ده و دو همچو بروج فلک *** نظم جهان داده سما تا سمک

باز دمید از چمن او گلی *** کامده روح قُدُسش بلبلی

خاک خراسان شده زو مشک بو *** خلق به به آن بو شده در جستجو

دم چه زنم از صفتِ بی حدش *** داده پیمبر خبر از مرقدش (1)

خلق محمد کرم مرتضی *** هر دو عیان ساخت علی الرضا

هر که به آن سلسله پیوسته شد *** از ستم حادثه وارسته شد

من که در آن روضه ریاضت کشم *** ز آن گل و گلزار ببوی خوشم (2)

ابن عامر شبراوی (1172هـ - ق)

شیخ عبدالله بن محمد شافعی معروف به ابن عامر شبراوی، امام

ص: 38

1- اشاره به حدیث نبوی: (سَتُدْفَنُ بَصَّةً مِنِّي بِخُرَاسَانَ مَا زَارَهَا مَكْرُوبٌ إِلَّا نَفْسَ اللَّهِ كُرْبَتَهُ وَلَا مُذْنِبٌ إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ ذُنُوبَهُ) (ابن بابویه،

محمد بن علی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 635؛ جوینی خراسانی، ابراهیم بن محمد، فرائد السمطین، ج 2، ص 190).

2- فضل الله بن روزبهان، وسیلة الخادم الى المخدم، ص 27 - 28.

رضا علیه السلام را هشتمین امام می داند که کریم و جلیل و شخصیتش باوقار و متین و باشکوه است. (1)

یوسف بن اسماعیل نبهانی شافعی (1350 هـ - ق)

وی، امام علی بن موسی الرضا علیه السلام را از بزرگان ائمه و چراغ های [هدایت] امت از اهل بیت نبوت معرفی می کند که معدن علم و عرفان و کرم و جوانمردی است. آن حضرت، جایگاه والایی دارد و نام ایشان شهره آفاق و صاحب کرامات بسیاری است. (2)

سید محمد طاهر هاشمی شافعی (1412 هـ - ق)

او که نسبش از طریق ابویزید برزنجی به امام کاظم علیه السلام می رسد و اهل روانسر کرمانشاه است، در پایان نگارش کتاب مناقب اهل البیت علیهم السلام از دیدگاه اهل سنت به تاریخ دوازدهم ذی الحجه 1409 هـ - ق می نویسد: «اگر بخواهم لذت های روحی و فیوضات و برکات و جذبات و سرور و شوق و شور حالاتی را که در اثناء تألیف این کتاب مستطاب به این فقیر مذهب ارزانی می شد بازگویم الحق بیان و بنان از تقریر و تحریر کیفیت های روحی و معنوی و

ص: 39

1- ابن عامر شبراوی، عبدالله بن محمد، الاتحاف بحب الاشراف، ص 155.

2- عطایی، محمدرضا، امام رضا علیه السلام در آثار دانشمندان اهل سنت، ص 53 (به نقل از جامع کرامات الأولیاء، ج 2، ص 211).

عرفانی عاجز است، حق سبحانه و تعالی آن نعمت را بر این اضعف احقر مداوم دارد بمنّه و سعة فضله». (1)

ص: 40

1- هاشمی شافعی، سید محمد طاهر، مناقب اهل بیت علیهم السلام از دیدگاه اهل سنت، ص 453.

پس از این که خبر ولایتعهدی امام رضا علیه السلام در 25 ذیحجه سال 201 هجری قمری به مردم بغداد اعلام شد، «گروهی [آن را] پذیرفتند [ولی]، خاندان بنی عباس و طرفدارانشان در بغداد از ولایتعهدی امام رضا علیه السلام اظهار ناخشنودی و از بیعت به نام آن حضرت و پوشیدن لباس سبز خودداری کردند. آنان این امر را نقشه و دسیسه فضل بن سهل، وزیر مأمون، برای بیرون کردن خلافت از عباسیان می دانستند... از این رو، روز یکم (یا پنجم) محرم 202 هجری قمری با ابراهیم بن مهدی عباسی معروف به ابن شکله که عموی مأمون و مردی آوازه خوان و عودنواز و می خواره بود، بیعت کردند و او را مبارک نامیدند و مأمون را [از خلافت] خلع نمودند. [در پی این ماجرا،] هرج و مرج در دیگر ولایات و سرزمین های خلافت به اوج رسید.

حضرت رضا علیه السلام که ادامه این وضعیت را به صلاح امت اسلامی نمی دانست، در پی تقاضای جمعی از امرای لشکر، در

اقدامی صادقانه مأمون را از جنگ و آشوبی که مردم... به آن گرفتار بودند خبر داد» (1) و به وی گفت که فضل بن سهل اخبار بغداد و نارضایی مردم از ولایتعهدی آن حضرت را از خلیفه مخفی می کند. مأمون پس از تحقیق در این باره به عزم آرام ساختن اوضاع عراق از مرو رهاست و به بغداد می آید. فضل بن سهل که نمی خواست مأمون را در این سفر همراهی کند با تعهد نامه ای که مأمون به او داد، همراه شد ولی در حمام سرخس به قتل رسید.

«مأمون پس از آن، امام رضا علیه السلام را سخت تحت نظر قرار داد و به بهانه این که امام رضا علیه السلام مشغول عبادت و نماز است، از رفت و آمد مردم و دیدار آن ها با حضرت جلوگیری کرد» (2).

امام در طوس پس از سه روز و به قولی دوازده یا سیزده روز بیماری، بنا بر مشهور در آخر صفر سال 203 هجری قمری در گذشت. اغلب مؤرخان، علت درگذشت امام را مسمومیت با انگور یا اناری که مأمون زهرآلود کرده بود، دانسته اند. (3) روز بعد از شهادت امام، مردم طوس اجتماع کرده بودند و می گفتند که مأمون، امام را ناجوانمردانه کشته است. مأمون از محمد بن جعفر صادق،

ص: 42

1- ناجی، محمدرضا، امام رضا علیه السلام، ص 49-50.

2- همان، ص 53.

3- همان، ص 55.

عموی امام رضا علیه السلام خواست تا مردم را آرام کند و بگوید که ابوالحسن امروز تشیع نمی شود. چون مردم پراکنده شدند به دستور مأمون پیکر مطهر امام را شبانه غسل دادند و کفن کردند (1) و در باغ و سَـرّای حُمَید بن قحطبه در قریه سناباد از توابع نوقان طوس در کنار قبر هارون الرشید (193هـ-ق) به خاک سپردند. (2)

بر پایه روایات و گزارش های تاریخی، زیارت مرقد مطهر امام رضا علیه السلام پس از شهادت آن حضرت مورد توجه عموم مسلمانان اعم از شیعی و سنی قرار گرفت.

در روایات منقول از امام جواد علیه السلام و امام هادی علیه السلام به زیارت آگاهانه مرقد پدر گرامی شان حضرت رضا علیه السلام تأکید شده است. (3) «عبدالعظیم حسنی (252 یا 255 هـ-ق) به امام جواد علیه السلام می گوید:

«متحیرم قبر امام حسین علیه السلام را زیارت کنم یا قبر پدرتان را در طوس، نظر شما چیست؟ امام علیه السلام با چشمی گریان فرمودند: زوّار مرقد اباعبدالله الحسین بسیارند ولی، زوّار قبر پدرم در طوس اندکند». (4)

ص: 43

1- ابن بابویه، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 589-591.

2- همان، ج 1، ص 34.

3- همان، ج 2، ص 629-647.

4- همان، ج 2، ص 630.

این سؤال و جواب به نقل از علی بن مهزیار از امام جواد علیه السلام نیز گزارش شده است. (1)

محمد بن سلیمان نیز از امام جواد علیه السلام سؤال می کند که اگر شخصی حج واجب خود را انجام داد، آیا بهتر است دوباره به حج برود یا به خراسان برای زیارت علی بن موسی الرضا؟

امام فرمود: به خراسان برود و بر پدرم سلام کند، افضل است؛ البته سفر او برای زیارت پدرم در ماه ذیحجه نباشد تا بر او بر او عیب نگیرند. (2)

ابن خزیمه (311 هـ - ق) و ابوعلی ثقفی (328 هـ - ق)

حاکم نیشابوری می گوید: «از ابوبکر محمد بن مؤمل بن حسن ابن عیسی شنیدم که می گفت: با پیشوای اهل حدیث ابوبکر بن خزیمه (3) و همطرز از او ابوعلی ثقفی (4) و گروهی از استادانمان برای

ص: 44

1- همان، ص 644.

2- همان، ص 635 - 636؛ برای مطالعه سایر روایات درباره فضیلت زیارت امام رضا علیه السلام بنگرید: جوینی خراسانی، ابراهیم بن محمد، فرائد السمطین، ج 2، ص 18 - 198.

3- محمد بن اسحاق سلمی ملقب به امام الاثمه، محدث و فقیه نیشابوری؛ وی در زادگاه خود از ابن راهویه (238 هـ - ق) درس آموخت و برای کسب دانش حدیث و فقه به مرو، ری، بغداد، کوفه، بصره، عبادان (آبادان)، شام، قاهره، اسکندریه و حجاز سفر کرد. عدّه ای از مشایخ روایی صاحبان صحاح سته (صحیح بخاری، صحیح مسلم، سنن ابو داود، سنن ترمذی، سنن نسائی، سنن ابن ماجه) از مشایخ روایی او نیز بوده، و حتی بخاری و مسلم از وی روایت کرده اند. از شاگردان و راویان ابن خزیمه می توان از ابن حبان بستی، ابوعلی نیشابوری، ابو حامد بن شرقی، ابوبکر احمد بن مهران مقرئ نیشابوری و علی بن حسین بن بابویه قمی یاد کرد. وی فقیهی مجتهد بوده که بر اساس کتاب و سنت و دیگر ادله حکم می کرده است. فقه او قرابت بسیار به فقه شافعی دارد ولی در موارد متعددی بر خلاف امام شافعی و اتفاق فقهای اربعه (ابو حنفیه، مالک، شافعی، و احمد بن حنبل) فتوا داده است. او با فقه امامیه و خارجی (خوارج) نیز آشنایی داشته است. («ابن خزیمه»، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج 3، ص 416).

4- محمد بن عبد الوهاب، محدث، متکلم، عارف و فقیه شافعی؛ وی در بغداد، ری و نیشابور به تحصیل حدیث پرداخت و در مسائل کلامی با استاد خود ابن خزیمه هم رأی نبود و برخی مسائل کلامی را بر خلاف عقاید رایج مردم بیان می کرد و همین امر باعث شد تا در پایان عمر خانه نشین و متحمل سختی های فروان شود. مجلس وعظ او گیرا بود که آن را ناشی از سحرخیزی و خلوت شبانه او می دانستند. جنازه وی پس از تشییع با شکوهی در 328 هـ - ق در نیشابور به خاک سپرده شد. (جهان بین، نستوه، «ثقفی، محمد»، دانشنامه جهان اسلام، ج 9، ص 93).

زیارت مرقد علی بن موسی الرضا - در حالی که آنان بسیار به زیارت مرقد آن حضرت می رفتند [از نیشابور] - به سمت طوس خارج شدیم. در آن جا چنان تواضع و احترام و تعظیم و تضرّعی از ابن خزیمه نسبت به آن بقعه دیدم که همه را شگفت زده کرد [\(1\)](#)

به طوری که عده ای از خاندان سلطان؛ آل شاذان ابن نعیم و آل

ص: 45

1- ابن حجر عسقلانی، تهذیب التهذیب، ج 7، ص 339.

شش‌شین و گروهی از علویان نیشابور، هرات، طوس و سرخس نیز که در آن جا شاهد این نحوه زیارت بودند، شادمان شدند و به شکرانه آن صدقه دادند و همگی می گفتند: اگر این امام [ابن خزیمه] آن چه را در آداب زیارت انجام داد، سنت و فضیلت نمی دانست آن ها را به جا نمی آورد». (1)

ابن حبان بُستی (354 هـ - ق)

محدث، مؤرخ، لغوی، قاضی و فقیه شافعی (2) در کتاب الثقات آورده است: «علی بن موسی الرضا از عقلا، بزرگان و خردمندان اهل بیت و بنی هاشم است... مرقد ایشان در سناباد، خارج از نوقان، در کنار قبر هارون الرشید، مشهور و معروف است و مردم به زیارت آن می روند. من نیز فراوان آن را زیارت کرده ام. وقتی در طوس بودم هر مشکلی که بر من وارد می شد به زیارت مرقد علی بن

ص: 46

1- جوینی خراسانی، ابراهیم بن محمد، فرائد السمطين، ج 2، ص 198.

2- ابوحاتم محمد بن حبان در بُست (شهری قدیمی در جنوب شرقی افغانستان کنونی) مقدمات علوم را فراگرفت در سال 300 هـ - ق به نیشابور رفت و برای جست وجو و تکمیل دانش حدیث به بسیاری از شهرهای خراسان، ماوراء النهر، عراق، حجاز، شام و مصر سفر کرد. مشایخ او به گفته خودش بیش از دوهزار تن بوده اند. وی پس از سفری طولانی در 334 هـ - ق به نیشابور بازگشت و جمع بسیاری از او نقل حدیث کردند (رفیعی، علی، «ابن حبان»، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج 3، ص 303).

الرضا - که درود خدا بر او و جدش باد - می رفتم و از خداوند حلّ آن را می خواستم و خداوند نیز دعایم را استجابت می کرد و آن سختی از من برطرف می شد. این کار را به دفعات تجربه کردم و جواب گرفتم. خداوند ما را با محبت رسول خدا صلی الله علیه و اله و اهل بیت او بمیراند» (1)

گزارش ابن حوقل (پس از 367 هـ - ق)

*گزارش ابن حوقل (پس از 367 هـ - ق) (2)

وی در صورة الارض می نویسد: «قبر علی بن موسی الرضا در بیرون شهر نوقان است... در مقبره ای زیبا در قریه ای به نام سناباد که حصنی استوار دارد و گروهی در آن معتکفند». (3)

گزارش حدود العالم

در کتاب، حدود العالم من المشرق الى المغرب، که در سال

ص: 47

1- ابن حبان، محمد، کتاب الثقات، ج 8، ص 456-457.

2- ابوالقاسم محمد بن حوقل یا محمد بن علی نصیبی (نصیبینی)، بازرگان، سیاح و جغرافی دان عرب در سده چهارم قمری. وی نصیبین در بین النهرین علیا زاده شد. وی سفر خود را در 7 رمضان 331 هـ. ق از بغداد آغاز کرد و از آفریقای شمالی، اسپانیا، مرزهای جنوبی صحرا، مصر، ارمنستان، آذربایجان، خوزستان، فارس، خوارزم، ماوراءالنهر و سیسل دیدن کرد (شعار، جعفر، «ابن حوقل»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج 3، ص 381-384).

3- ابن حوقل، ابوالقاسم محمد، سفرنامه ابن حوقل، ص 169.

گزارش مقدسی (375 هـ - ق)

*گزارش مقدسی (375 هـ - ق) (3)

وی که در عهد سامانیان (279 - 389 هـ - ق) به خراسان سفر کرده است به نقل از برخی پیران «نسا» می آورد: «مردم طوس در دو جهان پیش هستند؛ در دنیا از آن روی که پیش از دیگر مردم خراسان به اسلام گرویدند، در آخرت نیز از آن روی که خدا می گوید: (يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ اُنَاسٍ بِاِمَامِهِمْ) (4) علی [بن موسی] الرضا یکی

ص: 48

1- مینورسکی، مؤلف کتاب را ابن فریغون دانسته که آن را در جوزجان نوشته و درباره جغرافیای جهان و نخستین کتاب جغرافیا به زبان دری (فارسی) است (رضازاده شفارودی، معصومه، «حدود العالم»، دانشنامه جهان اسلام، ج 12، ص 715).

2- حدود العالم، ص 294.

3- شمس الدین ابو عبدالله محمد بن احمد مقدسی، جغرافی دان و سیاح مسلمان و صاحب احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم که تألیف آن را با موضوع جغرافیای کشورهای اسلامی در 375 هـ - ق به پایان برده است؛ وی به فلسطین، شام، جزیره العرب عراق و ایران سفر کرده است. او در این اثر به جغرافیای طبیعی، اقتصادی، اجتماعی، انسان شناسی و اعتقادات مردم پرداخته است (منزوی، علینقی، «احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج 6، ص 668).

4- اسراء (17): 71.

از فاضل ترین امامان بود که نزد ایشان است». (1) بر پایه گزارش مقدسی، مردم طوس در آن دوره اغلب شافعی مذهب بودند. (2)

با آن که امیران سامانی غالباً پیرو مذهب حنفیه بودند (3) ولی به آبادانی بارگاه رضوی و زیارت آن اهتمام داشتند؛ مقدسی گزارش می کند: «قبر علیّ الرضا در طوس است و دژی برای آن ساخته شده که خانه ها و بازارها دارد. عمید الدولة فائق (389 هـ - ق) [از سرداران سامانی] نیز مسجدی برایش ساخت که در همه خراسان به از آن نیست». (4)

ص: 49

1- مقدسی، محمد بن احمد، احسن التقاسیم، ج 2، ص 468.

2- همان، ص 474.

3- ناجی، محمدرضا، تاریخ و تمدن اسلامی در قلمرو سامانیان، ص 400.

4- مقدسی، محمد بن احمد، احسن التقاسیم، ج 2، ص 488؛ نیز ابن بابویه، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 706.

شیخ صدوق (381 هـ - ق) به نقل از ابو منصور محمد بن عبدالرزاق طوسی آورده است که می گفت: «در ایّام جوانی بر اهل مشهد [الرضا] سخت می گرفتم و در راه متعرّض زائران شده، اموال آنان را می ربودم. روزی به قصد شکار خارج شدم و تازی (سگ شکاری) خود را در پی آهوئی فرستادم، آهو پس از فرار به دیوار مزار [حضرت رضا علیه السلام] پناه برد و همان جا ایستاد؛ تازی نیز در مقابل او ایستاد و به او نزدیک نمی شد؛ هر چه کوشش کردیم تازی به او نزدیک شود، نمی شد؛ ولی تا آهو از آن دیوار دور می شد تازی او را دنبال می کرد تا این که آهو وارد یکی از حجره های آن سوی دیوار مزار شد. من وارد رباط [صحن و سرای مرقد مطهر] شدم و از ابو نصر مقری پرسیدم، آهوئی که اکنون وارد این مکان شد کجاست؟ او گفت: آن را ندیدم. وارد راهرو شدم ولی جز

ص: 50

1- سپهسالار مشهور خراسان در دروة سامانی و حاکم طوس؛ در سال 346 هـ - ق به فرمان او وزیرش ابو منصور معمري مأمور گردآوری اخبار و روایات باستانی ایران شد. با این ترتیب، شاهنامه ابو منصوری به نثر تدوین گردید که اینک تنها مقدّمه آن بر جای مانده است. دقیقی به نظم آن پرداخت ولی ناتمام ماند و همان مهمترین منبعی شد که فردوسی بر اساس آن شاهنامه خود را پدید آورد (خطیبی، ابوالفضل، «ابو منصور محمد بن عبدالرزاق»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج 6، ص (290 - 293).

پشگل و اثر بول آهو، چیزی در آن جا ندیدم. با خداوند عهد و نذر کردم که از آن پس نه تنها به زوار آزار نرسانم بلکه نیازهای آنان را برآورم. از آن زمان، هرگاه امر مشکلی و دشواری به من روی می آورد به این مشهد [مرقد] پناه می برم و آن را زیارت می کنم و از خداوند متعال برآورده شدن حاجتم را می خواهم، خدا نیز حاجتم را بر می آورد... و این از برکت این مشهد است». (1)

وی، همچنین به حاکم طوس معروف به «بیوردی» که فرزند نداشته، گفته است:

«چرا به مشهدالرضا نمی روی و در آن جا دعا نمی کنی که خداوند به تو فرزندی عنایت کند. من خود خواسته هایی داشتم که در آن جا از خداوند درخواست کردم و اجابت شد.

حاکم می گوید من به مشهد رفتم و نزد مرقد رضا دعا کردم تا خداوند فرزندی به من دهد. پس از آن، خداوند فرزند پسری به من عنایت کرد. ابو منصور پس از شنیدن خبر استجابت دعای من، مرا انعام و اکرام کرد». (2)

ص: 51

1- ابن بابویه، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 701 - 702.

2- همان، ج 2، ص 686 - 687.

وی که از اصحاب حدیث است می گوید: «مالی را که برخی مردم به من ودیعت نهاده بودند در ناحیه «سکة الحرب» نیشابور پنهان کردم ولی مکان آن را فراموش کردم، گروهی را دیدم که به زیارت مزار علی بن موسی الرضا می رفتند، من نیز با آنان به مشهد الرضا آمدم و مرقد [حضرت] رضا را زیارت کردم و از خداوند خواستم که مکان اموال را به من نشان دهد.

در آن جا محل اختفای آن اموال به من الهام شد. پس از بازگشت نشانی مکان را به صاحب اموال دادم و او اموال خود را پیدا کرد؛ از آن پس آن مرد این واقعه را برای مردم تعریف می کرد و آنان را به زیارت مشهد الرضا ترغیب می نمود». (1)

ابو الحسن علی بن حسن قهستانی

شیخ صدوق و حاکم نسابوری به نقل از وی آورده اند که گفت: «در مرورود بودم که با مردی مصری به نام حمزه رویه رو شدم که گفت: من از مصر برای زیارت مشهد الرضا به طوس آمدم. هنگامی که برای زیارت به مشهد [حرم] رفتم نزدیک غروب خورشید بود... پس از این که نماز عشاء را خواندم، خادم

ص: 52

می خواست درب را ببندد که از او خواستم به من اجازه دهد تا در مسجد بمانم زیرا از راه بسیار دوری آمده ام. او نیز درب را بر روی من قفل کرد و رفت. آن شب را تا صبح به نماز و عبادت گذراندم». (1)

ابونصر موذن نیشابوری

شیخ صدوق و جوینی خراسانی (730 هـ - ق) به نقل از ابونصر موذن نیشابوری آورده اند که گفت: «به مرض سختی مبتلا شدم به طوری که نمی توانستم سخن بگویم، به ذهنم خطور کرد که به زیارت [حضرت] رضا علیه السلام روم تا در آن جا با دعا و توسل، آن امام را به درگاه خداوند شفیع آورم تا خداوند عافیت و سلامتی را به من بازگرداند. پس بر مرکبم سوار شدم و به قصد زیارت مشهد [الرضا] حرکت کردم، در بالاسر مرقد [حضرت] رضا دو رکعت نماز خواندم و سجده کردم و در دعا و تضرع صاحب این قبر را شفیع قرار دادم تا خداوند گره زبانم را بگشاید؛ در سجده به خواب رفتم و دیدم که گویا قبر شکافته شد و مردی سالخورده و بسیار گندمگون از آن بیرون آمد و به من نزدیک شد و گفت: ای ابانصر

ص: 53

1- همان، ص 689 - 690؛ جوینی خراسانی، ابراهیم بن محمد، فرائد السمطين، ج 2، ص 196.

بگو: (لا اله الا الله)؛ اشاره کردم که چگونه بگویم در حالی که زبانم بسته است و یارای تکلم ندارد؟!

با صدای بلند به من گفت: قدرت خداوند را انکار می کنی؟ بگو: (لا اله الا الله). زبانم باز شد و گفتم: (لا اله الا الله). پای پیاده به منزلم برگشتم و دیگر هیچ گاه به آن مرض مبتلا نشدم». (1)

شیخ صدوق از زیارت محمد بن احمد سنانی نيسابوری، حمويه از امرای لشکر خراسان، فردی از بلخ وری و گروهی از طبرستان سخن گفته است. (2). همچنین وی از کتاب محمد بن حبيب ضبي قصیده ای آورده که در آن به زیارت امام اشاره شده است:

قَبْرَانِ مُقْتَرَنَانِ هَذَا تُرْعَةُ *** جَنَوِيَّةٌ فِيهَا يُزَارُ إِمَامٌ

دو قبر در کنار یکدیگرند، این [مرقد حضرت رضا علیه السلام] گلزار یا روضه ای است بهشتی که امام در آن زیارت می شود. (3)

ابن نجّار (643 هـ- ق) از عبدالله بن محمد جمال زوزنی نام می برد که به زیارت حضرت رضا رفته و با اجازهٔ خادمان بقعهٔ مطهر شبانه در آن جا به ختم قرآن پرداخته است. (4)

ص: 54

-
- 1- ابن بابويه، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 695 - 696؛ جوینی خراسانی، ابراهیم بن محمد، فرائد السمطين، ج 2، ص 218.
 - 2- ابن بابويه، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 697 - 707.
 - 3- همان، ص 618 - 623.
 - 4- ابن نجّار، ذیل تاریخ بغداد، ج 4، ص 139-140.

او می نویسد: «خداوند کرامات بسیاری از تربت حضرت رضا علیه السلام را به من شناسانده است؛ از جمله به علّت سرمای شدید، راه رفتن برایم بسیار سخت بود، به زیارت رفتم و از آن جا با کفشی از جنس کرباس به نوقان برگشتم فردای آن روز، درد پای من از بین رفت و سالم به نیشابور برگشتم».⁽¹⁾

ابوالحسین محمد بن علی بن سهل

وی که فقیه است، می گوید: «هر امر مهم دینی یا دنیایی که برایم پیش می آید برای حلّ آن به زیارت قبر [حضرت] رضا [علیه السلام] می روم و نزد قبر دعا می کنم و خداوند نیز حاجتم را برآورده می سازد و در آن گشایش ایجاد می کند».⁽²⁾

ابو الحسن بن ابی بکر فقیه

او نیز گفته است: «خداوند همه خواسته های مرا نزد مشهدالرضا اجابت کرده است از جمله از خداوند خواستم فرزندی

ص: 55

1- جوینی خراسانی، ابراهیم بن محمد، فرائد السمطین، ج 2، ص 220.

2- همان جا.

به من عنایت کند که خداوند آن را به من روزی کرد». (1)

حاکم نیشابوری به نقل از علی بن محمد بن یحیی و او به نقل از ابوالفضل بن ابی نصر صوفی به نقل از محمد بن ابی علی صائغ آورده است که گفت: از مردی نزد مرقد الرضا [علیه السلام] - که اسم او را از یاد برده ام - شنیدم که می گفت: من در شرف قبر و صاحب آن مرددم و در قلبم نسبت به بعضی از آن چه در شرافت آن [حضرت] گفته می شد حالت انکار، خلجان می کرد. پس به مصحف تفأل زدم این آیه (2) سه بار آمد: (وَيَسْتَنْبِئُكَ أَحَقُّ هُوَ قُلُّ إِي وَرَبِّي إِنَّهُ لَحَقُّ). (3)

مذهب بیهقی (470 هـ - ق)

ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی، دبیر و رئیس دیوان رسالت دستگاه غزنویان و مورّخ معروف ایرانی (4) می نویسد: «بوالحسن عراقی دبیر... وصیت بکرد تا تابوتش به مشهد علی موسی الرضا رضوان الله علیه بردند به طوس و آن جا دفن کردند که مال این کار

ص: 56

1- همان جا.

2- یونس (10): 53.

3- جوینی خراسانی، ابراهیم بن محمد، فرائد السمطین، ج 2، ص 218.

4- مذهب بیهقی را برخی شافعی و بعضی حنفی دانسته اند: (نک: سمعی، احمد، «بیهقی»، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج 13، ص 487).

را در حیات خود بداده بود و کاریز مشهد را که خشک شده بود باز روان کرده و کاروان سرایی برآورده و دیهی مستغَل سبک خراج بر کاروانسرای و بر کاریز وقف کرده، و من در سنهٔ احدى و ثلاثین [431 هـ-ق] که به طوس رفتم... به نوقان رفتم و تربت رضا را رضی الله عنه زیارت کردم. گور عراقی را دیدم در مسجد آن جا... و او را زیارت کردم (1).

امام محمد غزالی (505 هـ - ق)

وی متکلم حکیم و عارف ایرانی و فقیه شافعی است که به سال 503 هـ-ق در پاسخ یکی از سلاطین سلجوقی که از وی درخواست کرده بود تا به دربار وی بیاید، دربارهٔ گذشته خود چنین نوشت:

«و بیست سال در ایام سلطان شهید - ملکشاه (2) - روزگار گذرانید و از وی به اصفهان و بغداد اقبال ها دید و چند بار میان سلطان و امیرالمؤمنین (3) رسول بود در کارهای بزرگ؛ و در علوم

ص: 57

1- بیهقی، محمد بن حسین، تاریخ بیهقی، ص 712 - 713.

2- سلطان ملکشاه سلجوقی (سلطنت: 465 - 485 هـ-ق) و وزیرش نظام الملک جوینی به زیارت امام رضا علیه السلام مشرف شده اند (حسینی، علی بن ناصر، اخبار الدولة السلجوقیه، ص 74).

3- خلیفه عباسی.

دین نزدیک به هفتاد کتاب تصنیف کرد؛ پس دنیا را چنان که بود، دید، جملگی بینداخت؛ و مدتی در بیت المقدس و مکه مقام کرد و بر سر مشهد ابراهیم خلیل - صلوات الله علیه - عهد کرد که پیش هیچ سلطانی نرود و مال سلطان نگیرد و مناظره و تعصب نکند؛ و اکنون دوازده سال است تا بدین عهد وفا کرد؛ و امیرالمؤمنین و دیگر سلاطین او را معذور داشتند. اکنون شنیدم که از مجلس عالی اشارتی رفته است به حاضر آمدن. فرمان را به مشهد رضا علیه السلام و نگاهداشت عهد خلیل را به لشکرگاه نیامدم؛ و بر سر این مشهد می گویم که ای فرزند رسول! شفیع باش تا ایزد تعالی ملک اسلام را در مملکت دنیا از درجه پدران خویش بگذارند و در مملکت آخرت به مرتبه سلیمان علیه السلام رساند که هم ملک بود و هم پیغمبر». (1)

سنایی غزنوی (535 ه - ق)

سنایی شاعر، حکیم و عارف مشهور ایران زمین در مدح امام رضا علیه السلام و زائران مرقد مطهر آن حضرت سروده است.

دین را حرمیست در خراسان *** دشوار تو را به محشر آسان

از معجزه های شرع احمد *** از حجت های دین یزدان

همواره رهش مسیر حاجت *** پیوسته درش مشیر غفران

ص: 58

چون کعبه پر آدمی ز هر جای *** چون عرش پر از فرشته هزمان

هم فرشته کرده جلوه *** هم روح وصی درو به جولان

از رفعت او حریم مشهد *** از هیبت او شریف بنیان

از دور شده قرار زیرا *** نزدیک بمانده دیده حیران

از حرمت زائران راهش *** فردوس فدای هر بیابان

قرآن نه درو و او اولوالامر *** دعوی نه و با بزرگ برهان

ایمان نه و رستگار از و خلق *** توبه نه و عذرهای عصیان

از خاتم انبیاء درو تن *** از سید اوصیاء درو جان

آن بقعه شده به پیش فردو *** آن تر به به روضه کرده رضوان

از جمله شرط های توحید *** از حاصل اصل های ایمان

زاین معنی زاد در مدینه *** این دعوی کرده در خراسان

در عهده موسی آل جعفر *** با عصمت موسی آل عمران

مهرش سبب نجات و توفیق *** کینش مدد هلاک و خذلان

بر دین خدا و شرح احمد *** بر جمله ز کافر و مسلمان

چون او بود از رسول نایب *** چون او سزد از خدای احسان

از معتبران اهل قبله *** وز معتمدان دین دیان

کس نیست که نیست از تو راضی *** کس نیست که هست بر تو غضبان (1)

ص: 59

*منتجب الدین جوینی (پس از 552 هـ - ق) (1)

وی در عتبة الکتبة می نویسد: «و در آن اجتياز [عبور] گذر بر مشهد مقدس معظم مطهر رضوی - علی ساکنه الصلوة و السلام - بود به طوس چون آن جا نزول افتاد حالی چنان که واجب باشد به ترتیب آن زیارت مغتنم کردم و از سر نیازی و خضوعی و تضرعی که حال اقتضا کرد حاجت خواستم تا ایزد تعالی ... ذهن و خاطرم را ذکایی و صفایی کرامت کند... دانستم که استحسان اثر برکات و میامن آن بقعه شریف است و از کرامات آن سید بزرگوار - علیه و علی آبائه السلام». (2)

وی در رقیة القلم به مشکلی دیگر اشاره کرده و گفته است: «من از غایت ضجرت و تنگدلی به مشهد مبارک امیرالمؤمنین علی بن موسی الرضا رفتم و از روح پاک او استمداد طلبیدم و به تضرع و ابتهال در آن موقف متبرک بنالیدم و تسهیل این شیوه از حضرت احدیت درخواستم. آفریدگار - سبحانه و تعالی - دعای مرا اجابت گردانید». (3)

ص: 60

1- از دبیران مقرب سلطان سنجر سلجوقی (حکومت: 511 - 552 هـ - ق) و رئیس دیوان انشای او.

2- بدیع، عتبة الکتبة، ص 3-4.

3- رقیة القلم، ج 1، ص 78 - 79. به نقل از جعفریان، رسول، «شماری از زائران سنی امام رضا علیه السلام تا قرن ششم»، زائر، شماره 55-56، ص 66.

شهاب الدین ابوسعید عبدالملک بن سعد بن عمرو بن ابراهیم در نزهة الاخیار آورده است که از شیخ زکی ابوالفتوح محمد بن عبد الکریم بن منصور بن غلان شنیده است که گفت: «از شیخ ابوالحسن محمد بن قاسم فارسی در نیشابور شنیدم که می گفت: من کار کسانی را که قصد زیارت مشهد [الرضا] داشتند نمی پسندیدم و جایز نمی دانستم و بر آن اصرار می ورزیدم تا این که شبی در خواب دیدم که در طوس در مشهد [الرضا] هستم و رسول خدا صلی الله علیه و اله پشت صندوق قبر ایستاده در حال نمازند. پس صدایی را از بالا شنیدم که می سرود:

هر کس دوست دارد قبری را ببیند که اگر آن را زیارت کند، خداوند او را از سختی ها و بلاها نجات بخشد به زیارت این قبر بیاید [زیرا] خداوند سلاله ای برگزیده از رسول خدا را در آن سکنا و آرامش بخشیده است. و به رسول خدا صلی الله علیه و اله اشاره می کرد.

عرق ریزان از خواب بیدار شدم، خدمتکارم را صدا زدم که مرکبم را فوراً آماده کند. بلافاصله به زیارت رفتم و از آن موقع سالی دوبار به زیارت می روم». (1)

ص: 61

1- جوینی خراسانی، ابراهیم بن محمد، فرائد السمطین، ج 2، ص 197.

گزارش حمدالله مستوفی (740 هـ - ق)

«از مزار عظماء، قبر امام معصوم علی بن موسی الرضا بن جعفر - رضی الله عنهم - در دیه سناباد به چهار فرسنگی طوس است... و مشهد طوس از مشاهیر مزارات متبرکه است و آن موضع اکنون شهر چه ای شده [است]». (1)

گزارش ذهبی (748 هـ - ق)

«مشهد [مرقد] علی بن موسی الرضا در طوس است و مردم آن را زیارت می کنند». (2)

گزارش صفدی شافعی (764 هـ - ق)

صلاح الدین خلیل بن ابیک صفدی، علی بن موسی رضی الله عنهما را یکی از ائمه دوازده گانه که مرقد آن [حضرت] زیارت می شود، معرفی می کند. (3)

گزارش کلاویخو (814 هـ - ق)

کلاویخو سفیر «هانری سوم» پادشاه کاستیل اسپانیا که در سال

ص: 62

1- مستوفی، نزهة القلوب، ص 215.

2- ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج 9، ص 393؛ ج 6، ص 274.

3- صفدی، الوافی بالوفیات، ج 22، ص 249.

806 هـ - ق عازم دربار تیمور در سمرقند است می نویسد: «مشهد شهر عمده زیارتی همه این حوالی است و سالانه گروه بی شماری به زیارت آن می آیند. هر زائری که به آن جا رفته باشد چون بازگردد همسایگانش نزد او می آیند و لبه قبای او را می بوسند... چون به این شهر رسیدیم ما را برای زیارت این مکان مقدس و آرامگاه بردند. سپس چون در ایران راه می پیمودیم و بر سر زبان ها افتاده بود که ما به زیارت مشهد مشرف شده و آن مکان مقدس را دیده ایم مردم همه می آمدند و لبه قبای ما را بوسه می زدند». (1)

گزارش میرخواند (903 هـ - ق)

وی در تاریخ روضة الصفا می نویسد: «مشهد مقدس و مرقد این امام علی الاطلاق، مرجع ایران و مقصد سالکان اکابر و اصاغر آفاق است، طوایف امم و طبقات بنی آدم از اقصای روم و هند از جمیع مرز و بوم، هر ساله مهاجرت اوطان و مفارقت خلان اختیار کرده و روی توجه به این آستان فرخنده نشان نهاده و مراسم زیارت و طواف بجا می آورند؛ این موهبت عظمی را سرمایه سعادات دنیا و عقبی می دانند». (2)

ص: 63

1- کلاویخو، گونزالس، سفرنامه کلاویخو، ص 192-193.

2- میرخواند، محمد بن خاوند، تاریخ روضة الصفا، ج 3، ص 2103.

وی که در سال 909 هـ- ق در کاشان به سر می برد، در مقدمه کتاب وسیلة الخادم الی المخدوم در شرح صلوات چهارده معصوم درباره زمینه نگارش این کتاب و اهمیت زیارت می نویسد:

«از حوادث روزگار و نوایب چرخ ناپایدار، انواع شداید و کربات و اصناف محن و بلیّات پیش آمده بود. کربت غم با محنت خوف و شدت مضموم شده و فراق اخوان به إجلاّی اوطان قرین گشته و عدم مساعدت حال و فقدان اعوان و احباب موجب کمال ملال شده... فی الجملة از غلبات هموم و غلوای عموم در حال خود تحیری داشتم و بر لوح دل جهت معالجة دفع این غموم، نقش تفکّری می نگاشتم. ملهم غیب در خاطر صورت فرموده حضرت سیّد اوّل و آخر که: «اذا تحیرتم فی الامور فاستعینوا باصحاب القبور» تصویر کرد و درد بی درمان مرا از دواخانه استعانت به اکابر اصحاب قبور تدبیر فرمود. اندیشه کردم که از اصحاب قبور جماعتی اختیار کنم جهت استعانت، که قبر هر یک بیت المعمور جهان آخرت و کعبه مقاصد اصحاب حاجت باشد و جمیع طوایف امت متّفق باشند در آن که استعانت از ایشان موجب نجات از غم و سبب حصول حاجات عرب و عجم است و در این... خلافی میان اوّلین و آخرین نباشد؛ پس این معنی را مقصود و محصور در

چهارده معصوم پاک که قبور ایشان همچون صندوق های افلاک، زیور خانه خاک است دانستم و وجهه توجّه خود را قبله آستان ایشان ساختم و روی تولای خویش را به جانب ارواح مقدّسه ایشان برافروختم و چون تشرف به شرف زیارت و آستانه بوسی مرقد مطهر ایشان که همچو کواکب آسمان در اطراف اقطار منتشر است، میسر نبود به صدق تمام و توجه کامل دل را به محبت ولای ایشان مشعوف گردانیدم و زبان را به صلوات و سلام بر آن اجلّه کرام علیهم صلوات الله و سلام الملک العلام مشغول ساختم و طریق نجات از بلیّات و سبیل حصول مقاصد و حاجات در این توجّه و ابلاغ صلوات منحصر دیدم... ان شاء الله به برکت ذکر آن اجلّه سادات که خلاصه کائناتند جمیع مقاصد این غریب از ممکن غیب چهره گشاید و از آینه ضمیر، زنگ غم، کدورت، حزن و الم بزداید:

یاربّ به درت گریه و آه آوردم *** هر چند به خروار گناه آوردم

یاربّ به نبی و آل او بخش مرا *** چون از ره بندگی پناه آوردم

والله يعصمنا من النار ببركتهم ويوصلنا الى الجنة في خدمتهم (1)». (2)

ص: 65

1- خدایا ما را از آتش دوزخ به برکت ائمه طاهرين حفظ فرما و ما به واسطه خدمتگزاری آنان به بهشت برسان.

2- فضل الله بن روز بهان، وسیلة الخادم الى المخدوم، ص 54 - 56.

وی در اثنای صلوات بر حضرت رضا علیه السلام برای توفیق زیارت مرقد آن حضرت این گونه دعا می کند: «الها، پروردگارا، حیا، قیوما به حق حضرت محمد عربی و به حق علی بن موسی الرضا که پاره ای از جسد مبارک آن حضرت است که امسال [909 هـ-ق] ما را زیارت روضه مقدسه آن حضرت به خیر و عافیت روزی گردان». (1)

و در پایان این صلوات آرزو می کند: «[زیارت مرقد حضرت رضا] به خیر و عافیت روزی گردد و قرائت این کتاب وسیله الخادم الی المخدوم در آستانه آن مرقد مطهر جهت دوستان و محبان و موالیان اهل البیت نموده شود؛ چه ولا و تولای آن حضرت شیمه دیرینه این فقیر و محبت و استمداد آن حضرت نقد خزینه سینه این حقیر است؛ و در هر واقعه که این فقیر را پیش آید استمداد از باطن اقدس آن حضرت را طریق نجات می دانم؛ و در هر هائله و داهیه، روح مقدس آن حضرت را عون و مددکار می خواهم». (2)

او پس از دیدن حضرت رضا علیه السلام در خواب، سروده است:

سلام علی روضه للامام *** علی بن موسی علیه السلام

سلام من العاشق المنتظر *** سلام من الواله المستهام

بر آن پیشوای کریم الشیم *** بر آن مقتدای رفیع المقام

ز شهد شهادت حلاوت مذاق *** ز زهر عدو در جهان تلخ کام

ص: 66

1- همان، ص 218.

2- همان، ص 228 - 229.

ز خلد برین مشهدش روضه ای *** خراسان از او گشته دارالسلام

از آن خوانمش جنت هشتمین *** که شد منزل پاکِ هشتم امام

محبان ز انگور پر زهر او *** فکندند می های خونین لجام

مرا چهره بنمود یک شب به خواب *** شد از شوق او خواب بر من حرام

علی وار بر شیر، مردی سوار *** «امین» (1) در رکابش کمینۀ غلام (2)

وی در مهمان نامه بخارا پس از سرودن غزلی در بیان عشق خویش برای وصال یار و زیارت مهر دعا می کند:

(اللهم ارزقنا بلطفك وفضلك وكرمك وامتنانك، زيارة قبره المقدس، و مرقد المونس، واغفر لنا ذنوبنا، واقض جميع حاجاتنا ببركته).

(3)

او در ربیع الاول 910 هـ- ق «به زیارت مشهد رضوی علی ساکنه السلام فایز گشت». (4)

فضل الله بن روزبهان کتاب وسیلة الخادم الی المخدوم در شرح صلوات چهارده معصوم را در روضه مقدسه قرائت کرده، سپس نسخه ای از آن را وقف آستان قدس رضوی نموده است تا «به هر

ص: 67

1- «امین» تخلص فضل الله بن روزبهان است.

2- فضل الله بن روزبهان، وسیلة الخادم الی المخدوم، ص 229.

3- فضل الله بن روزبهان، مهمان نامه بخارا، ص 230.

4- همان، ص 351.

وقت محبان و زائران از معتكف و بادی (1) از قرائت و سماع یابند و این حقیر نیز ان شاء الله تعالی در جمله محبان ثناخوان و موالیان درود فرست باشد... و تولیت آن [را] تقویض نمود به عالی جناب... محمد الحسینی الموسوی الرضوی... که این کتاب را در هر محل که مصلحت داند حفظ و ضبط فرماید و در اوقات اجتماعات و اطراف نهار، آن را در روضه مقدسه رضویه حاضر گرداند تا مردم از قرائت آن استماع یابند». (2)

وی در مقدمه این یادداشت، سروده است:

همچو موسی گشت بی هوش آن که دید این قبه را *** گویا طور تجلاهای رحمان بوده است

دیده ام را، نورحق، از قبه اش روشن نمود *** کوری چشم کسی کاو اهل حرمان بوده است

ای «امین» (3) از قبه سلطان علی موسی رضا *** هر طرف صد آفتاب فیض رخشان بوده است (4)

ص: 68

1- در مقابل معتكف، کسی که زیارت او کوتاه و گذراست.

2- فضل الله بن روزبهان، وسیلة الخادم الی المخدوم، ص 52.

3- «امین» تخلص فضل الله بن روزبهان است.

4- همان، ص 52 - 51.

او که در سال 912 هـ- ق همراه شیبیک خان ازبک (محمد خان شیبانی) به زیارت امام رضا علیه السلام مشرف شده است دربارهٔ برکات و فضیلت زیارت آن حضرت در مهمان نامهٔ بخارا می نویسد: «و اما زیارت قبر مکرم و مرقد معظم حضرت امام ائمه الهدی سلطان الانس و الجن امام علی بن موسی الرضا کاظم بن جعفر الصادق بن محمد بن الباقر بن علی زین العابدین بن الحسین الشهید بن علی المرتضی - صلوات الله و سلامه علی سیدنا محمد و آله الکرام... موجب حیات دل و جان است؛ مرادات همه عالم از آن درگاه با برکت حاصل و فی الواقع ربع میمونش توان گفت که از اشرف منازل است. آن مقام مبارک تمامی اوقات مقرون به تلاوت کلام مجید است و توان گفت که معبدی است از معابد اسلام. هرگز آن مرقد عالی از طاعت نیازمندان خالی نیست و چگونه چنین نباشد و حال آن که تربت حضرت امامی است که اوست مظهر علوم نبوی و وارث صفات مصطفوی و امام برحق و رهنمای مطلق و صاحب زمان امامت خود و وارث نبوت بحق استقامت خود.

هزار دفتر اگر در مناقبش گویند *** هنوز ره به کمال علی نشاید برد (1)

ص: 69

1- فضل الله بن روزبهان، مهمان نامهٔ بخارا، ص 336.

وی در قصیده ای که در «منقبت امام شامن، ولی ضامن، امام ابو الحسن علی بن موسی الرضا صلوات الله علیه و سلامه» سروده، آورده است:

امام روضه رضوان علی بن موسی *** رضا و راضی و مرضی و مرتضای زمن
همام و هادی و مهدی و هاشمی هیئت *** امام و آمر و مشکور و مکئ مسکن
بزرگ اهل هدایت به علم و حلم و کرم *** حبیب اهل روایت به اتقاق حسن
مرا دلی ست به سوی وصال او مایل *** مرا رخی ست به خاک رهش نهاده ذقن
اگر ز خار ره وصل او کشم خواری *** به دیده خار رهش را نهم به جای سمن
چو شمع آتش شوقش مرا بر فروزد *** تنم بود دل مشتاق را به جای لگن
کسی که میل بهشتش بود در این عالم *** بگو که بوسه ده این خاک را به روی دهن
مهیمننا به به حبیب محمد عربی *** به حق شاه ولایت علی عالی فن

به هر دو سبط مبارک، به شاه زین عباد *** به حق باقر و صادق، به کاظم احسن

به حق شاه رضا ساکن حظیره قدس *** به حق شاه تقی و نقی صبور محن

به حق عسکری و حجت خدا مهدی *** کزین دوازدهم ده نجات روح و بدن

فدای خاک رضا باد صد روان امین *** که اوست چاره درد و شفیع زلت من (1)

خواند میر (942 هـ - ق)

وی پس از ذکر کراماتی از حضرت رضا علیه السلام آورده است: «برکات مشهد منور و فیوضات مرقد معطر آن جناب بشمار و تفصیل آن امور، مقدور خامه شکسته زبان نبوده، لاجرم در طریق اختصار سلوک نمود». (2)

ص: 71

1- فضل الله بن روزبهان، مهمان نامه بخارا، ص 337 - 338.

2- خواندمیر، غیاث الدین بن همام الدین حسینی، تاریخ حبیب السیر، ج 2، ص 91.

سیره و روش زندگی امام رضا علیه السلام مانند سیره پدران گرامی اش ائمه اهل بیت علیهم السلام بر پایه آموزه های قرآن کریم و سیره نبوی بود؛ البته امام علیه السلام بر همان اساس، به شرایط متفاوت زمانی و مکانی و عرف جامعه و مخاطبان توجه جدی داشتند. چنان که وقتی به ایشان گفته شد برخی پوشیدن لباس های زیبا و فاخر را برای شما نمی پسندند، فرمود:

«یوسف، پیامبر و فرزند پیامبر بود ولی لباس دِبا می پوشید... و این امور، چیزی از مقام معنوی او نکاست؛ آن چه بر امام لازم است، عبارتند از: عدالت در مقام فرمان و داوری، وفای به عهد، راستگویی و صداقت؛... حلال و حرام خدا مشخص است... کسانی که ایمان ضعیفی دارند دوست دارند من بر پلاس نمدی بنشینم و لباس زبر و خشن بپوشم ولی دوران زندگی من تحمل و اقتضای

ابراهیم بن عباس (218 هـ-ق) که دوره کوتاه ولایت عهدی امام علیه السلام را دیده است، درباره اخلاق و سیره آن حضرت می گوید: «هرگز ندیدم ابوالحسن الرضا با سخن خود شخصی را برنجاند یا کلام کسی را قبل از آن که سخن او پایان یابد، قطع کند. نیاز نیازمندان را تا حدی که توان کمک به آنان را داشت، برآورده می ساخت. هیچ گاه نزد کسی که در حضور او نشسته بود پایش را دراز نمی کرد و در حضور دیگران به متکا تکیه نمی داد و آب دهان خود را بر زمین نمی ریخت؛ با خدمتکاران و غلامان به نرمی سخن می گفت و غذا را با آنان بر سر یک سفره می خورد، حتی به دربانان اجازه نمی داد به هنگام صرف غذا بایستند بلکه آنان را نیز سر سفره می نشاند؛ همواره متبسم و گشاده رو بود و با صدای بلند و به حالت قهقهه نمی خندید؛ خوابش اندک و بیشتر شب [منتهی به صبح] را بیدار بود و اغلب سه روز از هر ماه را روزه می گرفت؛ بسیار احسان و نیکی می کرد و فراوان صدقه می داد، البته این کار را بیشتر

ص: 74

اباصلت هروی (236 هـ - ق) خوراک امام رضا علیه السلام را «خفیف» و «قلیل» توصیف می کند: «كان عليه السلام خفيف الاكل و قليل الطعام»؛ یعنی غذای امام رضا علیه السلام سبک و کم حجم [به اندازه نیاز بدن] بود. (2)

یاسر خادم گوید: «[حضرت] رضا علیه السلام هر گاه سرشان خلوت می شد همه خدمتکاران از کوچک و بزرگ را فرا می خواند و با آنان گفت و گو می کرد و انس می گرفت و زمینه اُلفت و دوستی آنان را فراهم می ساخت». (3)

ابوعلی حسین بن احمد بیهقی به نقل از محمد بن یحیی صولی و او به نقل از مادر بزرگ پدری اش به نام عذر - که در دوره ولا یتعهدی در خدمت امام رضا علیه السلام بوده است - می گوید: «امام علیه السلام خود را با عود هندی بخور می داد و با مشک و گلاب معطر می نمود. نماز صبح را در اوّل وقت می خواند و تا طلوع آفتاب به سجده و عبادت می پرداخت. پس از آن برای [کارگشایی از امور]

ص: 75

1- ابن بابویه، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 431 - 432؛ و نیز، ص 363: «حدثني ياسر الخادم قال: كان الرضا عليه السلام إذا جلس على المائدة لا يدع صغيراً ولا كبيراً حتى السائس والحجام إلا أقعده معه على مائدته».

2- همان، ص 302.

3- «كان الرضا عليه السلام إذا كان خلا جمع حشمه كلهم عنده الصغير والكبير فيحدّثهم ويأئس بهم ويؤنسهم» (همان، ص 363).

مردم می نشست یا حرکت می کرد. شمرده و آرام سخن می گفت [از این رو] کسی حق نداشت در منزلش صدای خود را بالا ببرد [و موجب آزار دیگری گردد]». (1)

آراستگی و بهداشت

امام رضا علیه السلام به آراستگی، (2) نظافت و تطهیر و استعمال بوی خوش و معطر کردن (3) و پوشیدن لباس زیبا (4) بسیار اهمیت می داد و می فرمود: «خداوند متعال، فقر و بینوایی و تظاهر به نداری و مردم ژولیده و شلخته را دشمن می دارد» (5). از این رو، تأکید داشتند که

ص: 76

1- همان، ص 418.

2- «إِذَا بَرَزَ لِلنَّاسِ تَزَيَّنْ لَهُمْ»: امام رضا علیه السلام هنگامی که نزد مردم می رفت (یا مردم به دیدار ایشان می رفتند) خود را می آراست (ابن بابویه، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 416).

3- نک: کلینی، محمد بن یعقوب، الفروع من الکافی، ج 6، ص 516 - 517؛ ابن بابویه، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 418.

4- «عن الرضا علیه السلام قال: قال ابی: ... البس وتَجَمَّل، فَإِنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ كَانَ يَلْبِسُ الْجَبَّةَ الْخَزَّ...، وتلا هذه الآية: (قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ) (حمیری، عبدالله، قرب الاسناد، ص 357)».

5- (إن الله تبارك و تعالی... يُبْغِضُ الْبُؤْسَ وَ التَّبَاؤُسَ وَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يُبْغِضُ مِنَ الرِّجَالِ الْقَاذُورَةَ) (نوری طبرسی، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج 3، ص 236، ح 4/3467).

«شایسته است انسان هر روز عطر بزند و اگر نتوانست، روز در میان»؛ (1) «حمام و شستشوی بدن، یک روز در میان انجام گیرد». (2)

حسن بن جهم می گوید «ابوالحسن [الرضا] را دیدم در حالی که موهایش را رنگ کرده بود... [امام] فرمود: آراستگی و آمادگی مرد از عواملی است که پاکدامنی و عفت زنان را افزون می سازد». (3)

ابتهال و نیایش

چون ثلث آخر شب فرا می رسید، امام علیه السلام از بستر برمی خاست در حالی که ذکر بر لب داشت؛ مسواک می کرد و وضو می گرفت و به نماز می ایستاد و پس از نماز به مناجات، تسبیح و تحمید و تکبیر صلی الله علیه و اله و تهلیل و استغفار و سجده شکر می پرداخت و رسول خدا صلی الله علیه و اله را یاد می کرد و بر ایشان صلوات و درود می فرستاد (4) و به تفکر و تدبّر

ص: 77

1- (لَا يَنْبَغِي لِلرَّجُلِ أَنْ يَدَعَ الطَّيْبَ فِي كُلِّ يَوْمٍ فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَيْهِ فَيَوْمَ وَ يَوْمَ لَا ...) (کلینی، الفروع من الکافی، ج 6، ص 510).

2- (الْحَمَامُ يَوْمٌ وَ يَوْمٌ لَا ...) (همان، ج 6، ص 496).

3- (رأيت أبا الحسن عليه السلام اختضب فقلت: جعلت فداك اختضبت، فقال: نعم إنَّ التَّهْنِئَةَ مِمَّا يَزِيدُ فِي عَفَّةِ النِّسَاءِ) (کلینی، محمد بن یعقوب، الفروع من الکافی، ج 5، ص 567).

4- ابن بابویه، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 418 و 421 - 428.

در اغلب اوقات به یاد خدا بود و به نماز اوّل وقت اهتمام فراوانی داشت. (2)

تلاوت قرآن محور محور اغلب عبادات امام بود به طوری که در سحرگاهان، (3) در نماز واجب (4) و نافله و در شب، آیات و سوره های بسیاری را متدبّرانه می خواند. (5) مثلاً با خواندن آیه (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ)

ص: 78

-
- 1- «و هو قاعد في مصلاه متفكراً» (ابن بابویه، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 430)
 - 2- چنان که امام علیه السلام در میانه مناظره با عمران صابی از متکلمان بنام آن زمان که مأمون آن را با اهداف خاصی ترتیب داده بود رو به مأمون کردند و فرمودند: «هنگام نماز است؛ عمران گفت: بحث مرا قطع مکن، چرا که دل من آماده پذیرش سخنانت شده است؛ امام فرمود: نماز می خوانیم و به گفت و گوباز می گردیم» (همان، ج 1، ص 348).
 - 3- «إِذَا صَلَّى الْفَجْرَ جَلَسَ فِي مُصَلَاةٍ... فَيُؤْتِي بِالْمُصَّحَفِ فَيَقْرَأُ فِيهِ»؛ امام رضا علیه السلام پس از نماز صبح در محل نمازش می نشست... و از روی مصحف، قرآن را تلاوت می کرد. (همو؛ فقیه من لا يحضره الفقيه، ج 1، ص 504).
 - 4- در نمازهای واجب پس از حمد. سوره های کوتاه و متوسط حزب مفصل (حزب هفتم قرآن از سوره ق تا ناس) را می خواندند (همو؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 422 - 426).
 - 5- «كَانَ يُكْثِرُ بِاللَّيْلِ فِي فَرَاشِهِ مِنْ تِلَاوَةِ الْقُرْآنِ - فَإِذَا مَرَّ بِآيَةٍ فِيهَا ذِكْرُ جَنَّةٍ أَوْ نَارٍ بَكَى - وَ سَأَلَ اللَّهَ الْجَنَّةَ وَتَعَوَّذَ بِهِ مِنَ النَّارِ»؛ اغلب شب را به تلاوت قرآن اختصاص می داد پس هرگاه از آیه ای که در آن از بهشت یا آتش دوزخ یاد شده می گذشت، می گریست و از خداوند، بهشت را درخواست می کرد و از آتش جهنم به او پناه می برد (همان، ص 428).

با صدایی آهسته می گفت: (الله احد)؛ و پس از خواندن سوره کافرون سه مرتبه می فرمود: (رَبِّيَ اللَّهُ وَ دِينِيَ الْإِسْلَامُ)؛ و هرگاه (يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا) را می خواند، بلافاصله «لبيك» می گفت. (1)

به اعتراف بسیاری از دوستان و دشمنان آن حضرت، از همه مردم زمان خویش، پارسا تر بود. رجاء بن ابی ضحاک سوگند یاد می کند که: (فَوَاللَّهِ مَا رَأَيْتُ رَجُلًا كَانَ اتَّقَى لِلَّهِ تَعَالَى مِنْهُ وَلَا أَكْثَرَ ذِكْرًا لِلَّهِ فِي جَمِيعِ أَوْقَاتِهِ مِنْهُ وَلَا أَشَدَّ خَوْفًا لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْهُ)، (2) سوگند به خدا، مردی به پرهیزکاری او ندیده ام، در اغلب اوقات به یاد خدا بود و خوف و ذکر او بیش از همه بود.

در یکی از نیایش های امام علیه السلام، آن حضرت با خداوند متعال این گونه مناجات می کند:

(اللَّهُمَّ أَنْتَ ثَقِنِي فِي كُلِّ كَرْبٍ وَأَنْتَ رَجَائِي فِي كُلِّ شِدَّةٍ وَأَنْتَ لِي فِي كُلِّ أَمْرٍ نَزَلَ بِي ثِقَةٌ وَعُدَّةٌ كَمْ مِنْ كَرْبٍ يَصْنَعُ فِيهِ الْفُؤَادُ وَ تَقِلُّ فِيهِ الْحِيلَةُ وَ

ص: 79

1- همان، ص 428 - 429.

2- همان، ص 421.

تَعْيَا فِيهِ الْأُمُورُ وَيَخْذُلُ فِيهِ الْبَعِيدُ وَالْقَرِيبُ وَالصَّدِيقُ وَيَشْهَدُ فِيهِ الْعَدُوُّ أَنْزَلَتْهُ بِكَ وَشَهِدَتْهُ إِلَيْكَ - رَاغِبًا إِلَيْكَ فِيهِ عَمَّنْ سِوَاكَ فَفَرَّجَتْهُ وَكَشَفَتْهُ وَكَفَيْتَنِيهِ فَأَنْتَ وَلِيُّ كُلِّ نِعْمَةٍ وَصَاحِبُ كُلِّ حَاجَةٍ وَمُنْتَهَى كُلِّ رَغْبَةٍ - فَلَكَ الْحَمْدُ كَثِيرًا...؛ (1)

خداوندا، تو در هر دشواری مایهٔ امید منی، و در هر چه از سختی ها که برای من به وجود می آید تو تکیه گاه منی و سازویرگ ساماندهی آن را تو در اختیارم می گذاری؛ چه بسیار دلواپسی ها که مغز و روان و ارادهٔ آدمی در آن ناتوان می گردد و چاره سازی ها بی اثر؛ و امور مختلف به همان صورت اولی باقی می مانند و فراگیر می شوند و در آن حال که دوست و نزدیک و دور در حل آن در می مانند و دشمن زبان به سرزنش می گشاید، آن امر را نزد تو می آورم و رهایی از آن را از تو می خواهم؛ در حالی که از غیر توقیع امید کرده ام، تو آن را گشودی و آشکار نمودی و مرا کفایت کردی؛ پس ای خدای بزرگ! هر نعمتی از توست و پاسخ هر نیاز و

ص: 80

1- طوسی، محمد بن حسن، الامالی، ص 35؛ این دعا با اندکی تفاوت از امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام (طبرانی، سلیمان بن احمد، کتاب الدعاء، ص 316)، امام حسین علیه السلام (طبری، محمد بن جریر، تاریخ الامم والملوک، ج 4، ص 321) و امام صادق علیه السلام نیز روایت شده است (کلینی، محمد بن یعقوب، الاصول من الکافی، ج 2، ص 578 - 579).

حاجتی نیز به دست توسست؛ و هر کشش و رغبتی به تو می انجامد پس ستایش و مدح فراوان ویژه توسست.

مردم داری و رعایت حقوق مردم

امام رضا علیه السلام محبت و مهرورزی به مردم [فارغ از نژاد، مذهب و ملیت آنان] را نشانه خردمندی و نیمی از عقل می دانستند (1) و به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و اله می فرمودند: «اوج خردمندی - پس از ایمان خدا - دوستی با مردم و نیکوکاری نسبت به هر انسان است؛ چه نیکوکار باشد و چه بدکار». (2) و نیز به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و اله می فرمودند: «همواره اُتم زندگی بسامان و شایسته ای خواهند

ص: 81

1- (التَّوَدُّدُ إِلَى النَّاسِ نَصْفُ الْعَقْلِ) (کلینی، محمد بن یعقوب، الاصول من الکافی، ج 2، ص 643). این حدیث را کلینی از امام صادق علیه السلام (همان جا) و مجلسی از امام کاظم علیه السلام به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و اله نیز آورده است (مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج 68، ص 349). همچنین رامهرمزی (360 هـ - ق) آن را به نقل از ابن عمر از رسول خدا صلی الله علیه و اله گزارش کرده است (المحدث، الفاصل بین الراوی والواعی، ص 359).

2- قال رسول الله صلى الله عليه و اله: (رَأْسُ الْعَقْلِ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ التَّوَدُّدُ إِلَى النَّاسِ وَاصْطِنَاعُ الْخَيْرِ إِلَى كُلِّ بَرٍّ وَفَاجِرٍ) (ابن بابویه، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 1، ص 31 - 32؛ سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، الجامع الصغیر، ج 1، ص 670، خ 4366)؛ پرواضح است که منظور از نیکوکاری به فاجر به معنای کمک و یاری به فسق و فجور او نیست.

داشت اگر یکدیگر را دوست بدارند و به هم هدیه بدهند و امانتدار باشند و از حرام دوری گیرند و میهمان نواز باشند و نماز را اقامه و زکات را پرداخت کنند». (1)

از این رو، امام رضا علیه السلام همواره با مردم مهربان و خیرخواه و دلسوز آنان بود و عشق و علاقه و محبت خویش را در گام نخست با خوش رویی و خوش برخوردی با مردم نشان می داد و از هیچ کمکی برای حل مشکلات آنان دریغ نداشت؛ (2) و هرگاه می دید یا می شنید کسانی حقوق مردم را رعایت نمی کنند - گرچه برادر یا از نزدیکان ایشان بود - سخت ناراحت و دلگیر می شد و برای احقاق

ص: 82

1- (لَا تَزَالُ أُمَّتِي بِخَيْرٍ مَا تَحَابُّوا وَ تَهَادُّوا الْأَمَانَةُ وَ اجْتَنَبُوا الْحَرَامَ وَ قَرُّوا الضَّيْفَ وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْا الزَّكَاةَ) (ابن بابویه، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 15).

2- کلینی، محمد بن یعقوب، الروضة من الکافی، ج 8، ص 151 و 418. امام رضا علیه السلام وارد حمام شد، مردی که آن حضرت را نمی شناخت از وی خواست تا او را کیسه بکشد، امام بدون درنگ مشغول این کار شد، حاضران در آن جا امام را به آن مرد معرفی کردند. او سخت عذر خواهی می کرد اما، امام دست از کار نکشید بلکه با گشاده رویی او را دلداری می داد (ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج 2، ص 418)

حق مردم کوشش می کرد؛ (1) البته در این راه همه جوانب را مورد دقت قرار می داد به گونه ای که عزّت و کرامت خودشان خدشه دار نشود.

ریّان بن صلت گوید: «گروهی به خراسان نزد [امام] رضا علیه السلام رفتند و گفتند: عده ای از خاندان و بستگان شما کارهای ناپسند و قبیح انجام می دهند. خوب بود آنان را از این کارها نهی می کردید! حضرت فرمود: این کار را نمی کنم. علّت آن را پرسیدند. امام گفت: زیرا از پدرم شنیدم که می گفت: نصیحت کردن [کسانی که حرف شنوی ندارند] نتایج تلخ و زیانباری به بار می آورد [و سبب بروز خشونت و گستاخی می گردد]». (2)

در اندیشه قرآنی امام علیه السلام، ارتباط با مردم و حفظ عزّت و کرامت آنان، در واقع نوعی ارتباط با خدا و عبادت و سپاسگزاری از اوست. ملاک برتری مردم در نزد خدا تقوا، تفکّر، اعمال صالح و سودمندی آنان است. نتیجه این برتری نیز خشوع و خشیّت در برابر ربّ و اصلاح امور زندگی مردم و پرهیز از هرگونه برتری جویی و خودخواهی و استبکار در مقابل مردم است.

ص: 83

1- چنان که می فرمود: (وَنَحْنُ أَوْلِيَاءُ الْمُؤْمِنِينَ ... وَنَأْخُذُ حُقُوقَهُمْ مِمَّنْ يَظْلِمُهُمْ) (ابن بابویه، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 165).

2- همان، ج 1، ص 588 - 589.

«اگر کسی گمان کند من به علت خویشاوندی با رسول خدا صلی الله علیه و اله بهتر از این (اشاره به یکی از غلامان سیاه پوست) هستم، درست نیست مگر این که من عمل صالح و شایسته ای داشته باشم تا این که از او بهتر باشم» (1).

شخصی به آن حضرت گفت: به خدا قسم تو بهترین مردم هستی. امام علیه السلام فرمود:

«سوگند مخور، بهتر از من کسی است که برای خدا فرمانبردارتر و از نافرمانی او پرهیزگارتر باشد. به خدا سوگند این آیه نسخ نشده است: (وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ (2)). (3)

بنابراین، امام رضا علیه السلام از کسانی که به نژاد، قوم و قبیله، دین و

ص: 84

1- «إِنَّ كَذَانَ يَرَى أَنَّهُ خَيْرٌ مِنْ هَذَا وَأَوْماً إِلَى عَبْدٍ أَسْوَدَ مِنْ غِلْمَانِهِ بِقَرَابَتِي مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَّا أَنْ يَكُونَ لِي عَمَلٌ صَالِحٌ فَأَكُونَ أَفْضَلَ بِهِ مِنْهُ» (همان، ج 2، ص 577).

2- و شما را در قالب نژادها، تیره ها و قبیله های مختلف از یک دیگر متمایز ساختیم تا همدیگر را بازشناسید؛ بزرگوارترین شما نزد خدا، پارساترین شماست. حجرات (49)، 13.

3- «... فَقَالَ لَهُ آخِرُ أَنتَ وَاللَّهِ خَيْرُ النَّاسِ فَقَالَ لَهُ لَا تَحْلِفْ يَا هَذَا خَيْرٌ مِنِّي مَنْ كَانَ اتَّقَى لِلَّهِ تَعَالَى وَأَطُوعَ لَهُ وَاللَّهِ مَا نُسَخَتْ هَذِهِ الْآيَةُ (وَجَعَلْنَاكُمْ ...)» (ابن بابویه، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 577).

مذهب، قدرت و ثروت، علم و موقعیت، و زهد و فقر خویش مغرور می شدند و آن را وسیله ای برای فزون خواهی، تکاثر طلبی بهره کشی و استثمار و تحقیر مردم و تفرقه و جدایی میان آنان و از بین بردن امنیت جامعه می پنداشتند، سخت متنفّر و بیزار بود.

زید بن موسی، برادر امام رضا علیه السلام در سال 199 هـ- ق در بصره شورش کرد و خانه های بنی عباس و طرفداران آنان را به آتش کشید و به قتل و خونریزی دست زد؛ او کسانی که لباس سیاه به تن داشتند (1) می سوزانید - از این رو به «زید النار» مشهور گردید - وی اموال برخی را مصادره و اخذ کرد. علی بن سعید از سرداران حسن ابن سهل او را دستگیر کرد و به مرو فرستاد. (2) مأمون، زید را نزد امام رضا علیه السلام برد. امام علیه السلام به او گفت «زید! گویا فرومایگان کوفه تو را مغرور کرده و فریب داده اند که چون فاطمه پاک و مطهر زندگی کرد، آتش دوزخ بر فرزندان او حرام است. این که شنیده ای خاصّ حسن و حسین علیهما السلام است... و اگر گمان می کنی تو که خدا را معصیت می کنی وارد بهشت می شوی و موسی بن جعفر علیهما السلام که خدا را اطاعت می کرد نیز داخل بهشت می شود، لازم می آید که تو در نزد خدا از موسی بن جعفر عزیزتر و گرامی تر باشی؟! به خدا

ص: 85

1- در آن زمان، پوشیدن لباس سیاه نماد عباسیان بود.

2- تاریخ الطبری، ج 7، ص 123.

سوگند! هیچ کس به آن چه نزد خداست جز به طاعت و پیروی از خدا دست نمی یابد. در حالی که تو گمان می بری با معصیت خدا به آن می رسی و گمان تو چقدر زشت و ناپسند است».

زید گفت: من برادر و فرزند پدر تو هستم.

امام علیه السلام فرمود: مادامی که اوامر خداوند عزوجل را اطاعت کنی، تو برادرم هستی. چنان که وقتی نوح علیه السلام گفت: (رَبِّ إِنِّي ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنْتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ)؛ (1) پروردگارا، پسر من از خانواده من بود وعده تو حق است و تو بهترین داورانی. خداوند در پاسخ او فرمود: (يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ) (2) ای نوح، او اهلیت تو را ندارد و [دارای] عملی ناشایست است. بنابراین خداوند، پسر نوح را به علت عصیان و نافرمانی از خاندان نوح بیرون راند. (3)

و برپایه گزارش دیگری، امام رضا علیه السلام سفارش کرد «که ای زید! از خدا پروا کن و حدود الهی را رعایت نما. ما [خاندان اهل بیت] به هر مرتبه ای که رسیده ایم به سبب رعایت تقوای الهی بوده است. بنابراین هر کس تقوا نداشته باشد و حدود خدا را رعایت و مراقبت

ص: 86

1- هود (11): 45.

2- هود (11): 46.

3- ابن بابویه، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 571 - 572.

نکند از ما نیست و ما نیز از او نیستیم» (1).

امام رضا علیه السلام می فرمود: هر کس عصیانگری را دوست بدارد، او خود سرکش و عاصی است؛ هر کس بنده مطیع خدا را دوست بدارد، خود مطیع و فرمانبردار خدا باشد؛ و هر کس ظالمی را [در ظلم] کمک کند، ظالم است؛ و هر کس عادل را واگذارد و او را یاری نکند نیز ظالم باشد.

بین خدا و هیچ کس رابطه خویشاوندی نیست و کسی جز از طریق اطاعت خدا به ولایت او نمی رسد. رسول خدا صلی الله علیه و اله خطاب به بنی عبدالمطلب فرمود: کار و کردارتان را عرضه کنید نه حسب و نسبتان را؛ زیرا خداوند متعال می فرماید:

(وَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ. فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ. وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ (2)). (3)

ص: 87

1- (يَا زَيْدُ اتَّقِ اللَّهَ فَإِنَّمَا بَلَغْنَا مَا بَلَغْنَا بِالتَّقْوَى فَمَنْ لَمْ يَتَّقِ وَلَمْ يُرَاقِبْهُ فَلَيْسَ مِنَّا وَلَسْنَا مِنْهُ) (همان، ص 573)؛ و بر پایه روایتی دیگر فرمودند: (مَنْ كَانَ مِنَّا لَمْ يُطِيعِ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ فَلَيْسَ مِنَّا وَأَنْتَ إِذَا أَطَعْتَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ فَأَنْتَ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ) (همان، ص 566).

2- وقتی در «صور» دمیده شود [علاق] خویشاوندی میانشان منتفی است و سراغ یکدیگر را نمی گیرند؛ پس آنان که برآورد [اعمالشان] وزین و ارزشمند باشد، رستگارند؛ و آنان که برآورد [اعمالشان] سبک و بی ارزش باشد، خود را به زیان انداخته اند و جاودانه دوزخی اند. مؤمنون (23): 101 - 103.

3- همان، ص 574 - 575.

همچنین امام رضا علیه السلام خطاب به حسن بن جهم فرمود: هر کس که با دین خدا مخالفت کرد از او براءت بجوی، هر کس که می خواهد باشد و از هر [مذهب و] قبیله ای که بود؛ و هر کس با خدا دشمنی کند با او دوستی نکن و او را یاری مده، هر کس و از هر [مذهب و] قبیله ای که باشد.

گفتم: ای پسر رسول خدا! چه کسی با خدا دشمنی می کند؟ فرمود: هر کس که از فرامین او نافرمانی کند. (1)

امام رضا علیه السلام به نقل از جدشان حضرت سجاد، امام علی بن الحسین علیهما السلام می فرمودند: «هر کس از ما خاندان اهل بیت، نیکوکار باشد، دو برابر به او پاداش می دهند و هر کس بدکار باشد، دو برابر عذاب می بیند». (2)

ص: 88

1- (یا ابنِ الْجَهْمِ مَنْ خَالَفَ دِينَ اللَّهِ فَأَبْرَأَ مِنْهُ كَأَنَّكَ مَنْ كَانَ مِنْ آيِ قَبِيلَةٍ كَانَ وَمَنْ عَادَى اللَّهَ فَلَا تُؤَالِهَ كَأَنَّكَ مَنْ كَانَ مِنْ آيِ قَبِيلَةٍ كَانَ فَقُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَمَنْ ذَا الَّذِي يُعَادِي اللَّهَ قَالَ مَنْ يَعْصِيهِ) (همان، ص 573 - 574).

2- (إِنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَقُولُ: لِمُحْسِنِنَا كِفْلَانِ مِنَ الْأَجْرِ وَلِمُسِيئِنَا ضِعْفَانِ مِنَ الْعَذَابِ) (همان، ص 565). مقایسه کنید با آیات 30 تا 32 سوره احزاب: (يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَنْ يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيَّنَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا * وَ مَنْ يَقْنُتْ مِنْكُنَّ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ وَتَعْمَلْ صَالِحًا نُؤْتِهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا * يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ ...).

عمر بن برید می گوید: نزد ابوالحسن الرضا بودم. سخنی از محمد بن جعفر (1) به میان آمد. امام فرمود: برخود عهد کرده ام که من و او در زیر یک سقف قرار نگیرم (یعنی هرگز او را نبینم). پیش خود گفتم: او ما را به نیکی و صلۀ رحم فرمان می دهد، ولی خودش درباره عموی خود چنین می گوید: وی، نگاهی به من کرد گفت: این از نیکی و صلۀ رحم است. هر وقت که او نزد من آید و من به نزد او بروم و درباره من سخنانی بگوید. مردم او را تصدیق می کنند و سخنانش را می پذیرند؛ ولی اگر من پیش او بروم و او نیز نزد من نیاید، مردم سخنان او را نمی پذیرند. (2)

ص: 89

1- محمد بن جعفر صادق، عموی امام رضا علیه السلام که پیری عالم و زاهد بود در ربیع الثانی سال 200 هجری قمری به تحریک برخی علویان ادعای خلافت کرد و مردم مکه و مناطق مجاور با او بیعت کردند و او را امیرالمؤمنین خواندند. وی در مواجهه با سپاه عباسی از مکه گریخت و بالاخره در شجره اطراف مدینه زخمی شد و بسیاری از یارانش کشته شدند. محمد بن جعفر از جلودی و رجاء پسر عموی فضل بن سهل امان خواست و به مکه بازگشت و در حضور مردم خود را از خلافت خلع کرد. او را به مرو نزد مأمون فرستادند که سرانجام هنگام بازگشت مأمون به بغداد در گرگان درگذشت (تاریخ الطبری، ج 7، ص 125 - 128).

2- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج 49، ص 30 - 31.

روزی مأمون با شادمانی خبر فتح روستاهایی از منطقه کابل را به امام داد. امام فرمود: آیا فتح روستایی تو را شادمان می کند؟ مأمون گفت: آیا این مایه خرسندی نیست؟ امام فرمود: فرامین الهی را درباره امت محمد صلی الله علیه و اله و حکومتی که بر ایشان داری اجرا و رعایت کن؛ همانا تو با سپردن کارها به کسانی که بر اساس حکم خدا داوری نمی کنند، امور مسلمانان را ضایع و تباه ساخته ای و خود در این سرزمین نشسته ای [و از امور مردم غافل]. ... بر [فرزندان] مهاجران و انصار در مکه و مدینه ستم می رود و سوگند و پیمان هیچ مؤمنی را رعایت نمی کنند و روزگار بر مظلومان به سختی می گذرد و درآمدی برای زندگی و هزینه های آن ندارند و کسی را نمی یابند که فریادرس و شنوای مشکلات و شکایات آنان باشد (1) آیا نمی دانی والی مسلمانان همچون تیرک میان چادر است که هرکس بخواهد به آن دسترسی دارد (2)؟!

حقّ در راه ماندگان

یسع بن حمزه نقل می کند که روزی با امام رضا علیه السلام در حال

ص: 90

1- همان، ج 7، ص 116 - 130.

2- ابن بابویه، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 363 - 365.

گفت و گو بودم و مردم بسیاری نیز از احکام الهی از ایشان می پرسیدند؛ در این حال، مردی بلندقامت و گندمگون وارد شد و گفت: ... از زیارت خانه خدا می آیم و هزینه سفرم را تمام کرده ام، اگر موافقت کنی و مرا به دیارم روانه کنی، آن چه به من بدهید، از طرف شما به بینوایان صدقه خواهم داد. زیرا، در شهر خود صاحب نعمت هستم... امام علیه السلام پس از پراکنده شدن مردم از درون اتاق بدون آن که به چهره فرد نگاه کنند... دویست دینار به او بخشیدند و گفتند آن را مایه برکت بدان و از جانب من صدقه نده.

سلیمان جعفری گفت: فدایت شوم... چرا صورت خود را پنهان داشتی؟ امام علیه السلام فرمود: ...نخواستم ذلت خواهش را در چهره اش بینم. (1)

حَقِّ مسکینان و نیازمندان

معمر بن خلّاد گزارش می کند که امام رضا علیه السلام همواره از بهترین غذایی که برای ایشان می آوردند، مقداری را در داخل سینی می گذاشتند و دستور می دادند که آن را به مسکینان بدهند؛ در این حال آیه (فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ) (2) را تلاوت می کردند (3)، خداوند

ص: 91

1- کلینی، محمد بن یعقوب، الفروع من الکافی، ج 4، ص 23 - 24.

2- بلد (90): 11.

3- برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، ج 2 ص 392.

می دانست که هر انسانی قادر به آزاد کردن بنده نیست از این رو، اطعام را راهی برای رسیدن به بهشت قرارداد.

امام رضا علیه السلام به فرزندشان امام جواد علیه السلام نامه نوشتند: ای فرزندم... به من خبر رسیده که هنگامی که بر مرکب سوار می شوی، غلامان تو را از در کوچک بیرون می برند، و این از بخل آن هاست تا خیری از تو به کسی نرسد. به حقی که برگردن تو دارم از تو می خواهم که ورود و خروجت جز از در بزرگ نباشد؛ و زمانی که سوار می شوی، با خود درهم و دیناری بردار تا کسی که از تو کمکی خواست به او بدهی... من خواستار آنم که خداوند مرتبه تو را بلند گرداند. پس اتفاق کن و به یاری خدا از تنگدستی و فقر بیمناک مباش.

(1)

حق کارگران

سلیمان جعفری گوید: هنگام غروب همراه امام وارد منزل ایشان شدم. با غلامان، مرد رنگین پوستی نیز مشغول کار بود. امام علیه السلام فرمود این مرد کیست؟ گفتند: به ما کمک می کند و مزدش را می دهیم. حضرت فرمود: اجرتش را تعیین کرده اید؟ گفتند: خیر

ص: 92

1- ابن بابویه، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 1، ص 658.

هرچه به او بدهیم راضی است. امام علیه السلام به شدت برآشفته... گفتم: فدایت شوم چرا خشمگین می شوید؟ فرمود: من بارها آنان را نهی کرده ام از این که کسی را پیش از آن که اجرتش را تعیین کنند به کار گیرند. (1)

یاسر خادم نیز گوید: امام علیه السلام بارها به ما می فرمود: اگر هنگامی که مشغول غذا خوردن هستید، مرا دیدید بلند نشوید و اگر در حال غذا خوردن طلبیده می شدیم، می فرمود: بگذارید تا غذای خود را با آرامش و آسودگی کاملاً تناول کنند و از آن فارغ شوند. (2)

همچنین وی می گوید: در روزی که امام رضا علیه السلام به علت مسمومیت رحلت کرد پس از این که نماز ظهر را گزارد به من گفت:

ای یاسر، اهل خانه و کارکنان و خدمتگزاران غذا خورده اند: گفتم: آقای من! چه کسی می تواند غذا بخورد با این که شما در چنین حالی هستید؟! امام راست نشست.

پس فرمود: سفره را بیاورید و همه اهل خانه و خدمتکاران و کارگزاران را فراخواند و کسی را فروگذار نکرد و یکایک را مورد محبت و مهر خویش قرار داد... هنگامی که همه خوردند، امام

ص: 93

1- کلینی، محمد بن یعقوب، الفروع من الکافی، ج 5، ص 288.

2- همان، ج 6، ص 298.

حق زرتشتیان

یاسر، خدمتگزار امام گوید: نامه ای از نیشابور به مأمون رسید که مردی زرتشتی وصیت کرده است که مال زیادی را که از او باقی می ماند میان بینوایان و تهیدستان تقسیم کنند. قاضی نیشابور آن اموال را میان مسلمانان تقسیم کرده است. مأمون نظر امام علیه السلام را جویا شد. امام فرمود: ... نامه ای به قاضی نیشابور بنویس تا همان مقدار از مالیات های مسلمانان بردارد و به بینوایان زرتشتیان بدهد. (2)

حق مسیحیان

ریّان بن شیب از امام رضا علیه السلام پرسید، خواهرم برای گروهی از مسیحیان وصیت کرده است ولی من می خواهم آن اموال را به گروهی از همکیشان مسلمان خود بدهم. امام فرمود: وصیت را همان طور که هست اجرا کن. خداوند متعال در قرآن می گوید: (فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ) (3) گناه تغییر وصیت پس از شنیدن آن، فقط تغییر دهندگان است و

ص: 94

1- ابن بابویه، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، 589 - 590.

2- همان، ج 1، 674.

3- بقره (2): 181.

حق اهل ذمه

زکریا گفت: از امام رضا علیه السلام پرسیدم که مردی از اهل ذمه (2) که به فقر و گرسنگی دچار شده بود، فرزندش را آورد و گفت: فرزندم مال تو، او را خوراک و لباس بده تا برده تو باشد.

امام فرمود: انسان آزاد، خرید و فروش نمی شود؛ این کار، شایسته نیست و درباره ذمیان نیز روا نمی باشد. (3)

عدم تبعیض میان مردم

عبدالله بن صلت از یکی از مردم بلخ شنید که می گفت: امام علیه السلام روزی همگان را بر سر سفره فراخواند و غلامان از سیاه و غیر سیاه بر سر سفره نشستند. به او گفتم: فدایت شوم، آیا بهتر نیست که برای اینان سفرهای جداگانه گسترده شود؟ فرمود: آهسته! از این سخن دست بردار! خدای همه یکی است. مادر و پدر [مان] نیز یکی است [پس تفاوت و تبعیض نباید باشد]؛ [درجه و] پاداش

ص: 95

1- کلینی، محمد بن یعقوب، الفروع من الکافی، ج 7 ص 16.

2- آن دسته از اهل کتاب که تحت حمایت حکومت اسلامی زندگی می کنند.

3- همان، ج 5، ص 210.

هر کسی بر اساس رفتار اوست (1) [نه شکل و نژاد و شغل و موقعیت او].

نهی هرگونه مردم آزاری

از منظر امام رضا علیه السلام ظلم به مردم و مردم آزاری در هر قالب و شکلی و با هر هدف و توجیهی، سبب خروج انسان از دایره ایمان و اسلام می گردد. (2)

انحصار طلبی، تفرقه افکنی و پافشاری بر اختلاف ها، تحقیر، تهمت، تمسخر، ریختن آبروی دیگران، غیبت، بدگویی، مکر و نیرنگ، بدخواهی، سخن چینی، مجادله و بگو و مگو، فاش کردن اسرار مردم، سخنان زشت و ناروا، خیانت، رباخواری، کم فروشی، اسراف و تبذیر، نفی نیکان و چرخش اموال در دست عده ای قلیل از افراد جامعه، به کار گماردن سفیهان (کم خردان)، (3) رعایت نکردن

ص: 96

1- کلینی، محمد بن یعقوب، الروضة من الکافی، ج 8 ص 230.

2- امام رضا علیه السلام به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و اله می فرمایند: (الْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ النَّاسُ مِنْ يَدِهِ وَ لِسَانِهِ) (ابن بابویه، علل الشرایع، ج 2، ص 523)؛ برای مطالعه سایر منابع که این حدیث را آورده اند نک: احمد بن حنبل، مسند، ج 2، ص 379، ج 3، ص 440؛ نسائی، سنن، ج 8، ص 104.

3- چنان که امام رضا علیه السلام برائت و دوری گزیدن از روش و شیوه این افراد را جزو شرایع دین و اسلام خالص و ناب می دانند: (... وَ الْبِرَاءَةُ مِمَّنْ نَفَى الْأَخْيَارَ وَ شَرَّدَهُمْ وَ... جَعَلَ الْأَمْوَالَ دَوْلَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ وَ اسْتَغْنَمَ السُّفَهَاءُ...) [واجب] (ابن بابویه، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، 275).

امانت، بی وفایی، شکستن عهد و پیمان، از بین بردن امانت مردم و جامعه از مصادیق بارز ظلم به مردم و مردم آزاری است.

چهل حدیث از امام رضا علیه السلام

- 1- کسی ایمانش برتر و بهتر از دیگران است که اخلاقش نیکوتر و نسبت به خانواده اش مهربان تر باشد. (1)
- 2- خوش اخلاق باشید زیرا بدون تردید انسان خوش اخلاق در بهشت قرار دارد و از بد اخلاقی بپرهیزید که بی شک جایگاه بد اخلاق در جهنم و آتش است. (2)
- 3- برای شناسایی حقیقت ایمان افراد به کثرت نماز و روزه و حج و خدمات اجتماعی و مناجات شبانه آنان ننگرید، بلکه به میزان صداقت و امانتداری آن ها نگاه کنید. (3)
- 4- از مشاجره و بگو و مگو با مردم بپرهیزید که فریبنده و خطر ساز و موجب بروز خودپسندی و خودبینی است و عزّت [و

ص: 97

1- همان، ص 41.

2- همان، ص 20.

3- همان، ص 75.

شوکت و حرمت و آبروی] انسان را پایمال و مدفون می کند. (1)

5- تدبیر و برنامه ریزی قبل از انجام عملی، انسان را از ندامت و پشیمانی حفظ می کند. (2)

6- کسی که بدون علم و آگاهی مردم را راهنمایی کند و فتوا دهد، ملائکه آسمان ها و زمین او را لعنت خواهند کرد. (3)

7- اولین کسانی که وارد آتش می شوند: أ) امیر قدرتمند و حاکم توانایی که عدالت را رعایت نکند؛ ب) ثروتمندی که حق مالش را [به نیازمندان] عطا نکند؛ ج) فقیری که فخر می فروشد. (4)

8- علم و دانش گنجینه هایی است که کلید ورود به آن پرسش است؛ پس سؤال کنید تا رحمت خداوند شما را فراگیرد. (5)

9- هرکس در پی خوار و ذلیل کردن مؤمنی باشد یا او را به سبب فقر و تنگدستی اش حقیر و ناچیز شمارد، خداوند او را در روز قیامت انگشت نما و رسوا خواهد کرد. (6)

ص: 98

1- عطاردی، عزیز الله، مسند الامام الرضا علیه السلام، ج 1، ص 274.

2- همان، ص 293 (به نقل از امام علی علیه السلام).

3- داود بن سلیمان غازی، مسند الرضا علیه السلام، ص 77، ح 3.

4- همان، ص 83، ح 7.

5- همان، ص 89، ح 10.

6- ابن بابویه، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج، ص،

10- سخاوتمند به خدا و مردم و بهشت نزدیک است و از آتش دور؛ ولی شخص بخیل از [خدا و] بهشت و مردم به دور است و به آتش نزدیک. (1)

11- راه و روش دشمنان و مخالفان من را [که با آموزه های قرآن و سیره رسول صلی الله علیه و اله در تضاد است] در پیش نگیرید، زیرا در این صورت جزو دشمنان من محسوب می شوید. (2)

12- از حقوق میهمان آن است که او را تا منزل مشایعت و همراهی کنی. (3)

13- هیچ شیری برای کودک بهتر از شیر مادرش نیست. (4)

14- اخلاق زشت، اعمال [خوب] انسان را تباه می کند همان طور که سرکه طعم غسل را از بین می برد. (5)

15- دوست هر کس عقل و دانایی اوست و دشمن هر کس جهل و نادانی او. (6)

ص: 99

1- همان، ج 1، ص 666 - 667؛ طبرانی (360 هـ-ق) آن را به نقل از عایشه امّ المؤمنین از رسول خدا صلی الله علیه و اله آورده است (المعجم الأوسط، ج 3، ص 27).

2- ابن بابویه، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 1، ص 694.

3- همان، ج 2، ص 126.

4- همان، ج 2، ص 30.

5- همان، ج 2، ص 38.

6- برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، ج 1، ص 194، ح 12.

16- از ما نیست کسی که با مسلمان با نیرنگ و حيله رفتار کند و او را فریب دهد و به او خسارت و ضرر وارد کند. (1)

17- گناه و پیامد اعمال دیگران تو را از خود راضی و مغرور نکند به گونه ای که گناه و عواقب اعمال خودت را از یاد ببری، بخشایش و خیر مردم تو را از نعمت هایی که خداوند متعال به تو ارزانی داشته غافل نکند و مردم را از رحمت خداوند مأیوس مکن در حالی که خودت به رحمت خدا امیدوار هستی. (2)

18- [سعادت و شقاوت] جان هایتان در گرو اعمال شماست پس با طلب غفران و به گزینی و برنامه ریزی [برای آینده و جبران گذشته]، خودتان را از [شقاوت و بدبختی] آزاد کنید. (3)

19- هر کس به سخنگویی گوش فرا دهد او را عبادت کرده است؛ اگر آن سخنگو از خدا [و آن چه مورد رضایت خداست] سخن می گفت، شنونده خدا را عبادت کرده است؛ و اگر از [آن چه خواست] ابلیس [است] سخن بگوید، شنونده، ابلیس را عبادت کرده

ص: 100

1- داود بن سلیمان غازی، مسند الرضا علیه السلام، ص 93، ح 12.

2- همان، ص 95، ح 13.

3- ابن بابویه، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 1، ص 598؛ احادیث شماره 1 تا 18 را امام رضا علیه السلام به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و اله روایت کرده اند.

است. (1)

20- مخالفان ما [اهل بیت] روایاتی را در قالب فضایل ما جعل کرده اند که آن روایات ساختگی به سه دسته تقسیم می شوند: الف) اخباری که در آن ها نسبت به ما غلو و زیاده روی شده است؛ ب) احادیثی که در آن ها منزلت و جایگاه اهل بیت علیهم السلام کمتر از آن چه که هست نشان داده شده است؛ ج) روایاتی که در آن ها به صراحت [از زبان ما] به دشمنانمان تهمت و افترا زده شده و سخنان زشت و ناروا گفته شده است. (2)

21- کسی که صبر و شکیبایی ندارد، ایمان ندارد. (3)

22- علی، امام و الگوی همه مؤمنان است. (4)

ص: 101

1- همان، ج 1، ص 614؛ نگاه کنید به کلینی، محمد بن یعقوب، الفروع من الکافی، ج 6، ص 434؛ ابن شعبه، حسن بن علی، تحف العقول، ص 456 (به نقل از امام جواد علیه السلام).

2- ابن بابویه، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 1، ص 614.

3- علی بن موسی الرضا، امام هشتم علیه السلام، صحیفه الرضا علیه السلام، ص 254، ح 178؛ صنعانی، عبدالرزاق، المصنّف، ج 11، ص 469، ح 21031 (عکرمه به نقل از امام علی علیه السلام).

4- (... أبو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ أَبِيهِ مُوسَى ابْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ حَدَّثَنِي الْأَجْلَحُ الْكِنْدِيُّ عَنْ ابْنِ بُرَيْدَةَ عَنْ أَبِيهِ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: عَلِيُّ إِمَامٌ كُلُّ مُؤْمِنٍ بَعْدِي) (ابن بابویه، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 1، ص 573).

23- هر کس متشابه قرآن را به [اصل]، حقیقت و باطن محکم قرآن ارجاع دهد به «صراط مستقیم» هدایت شده است؛ در سخنان و اخبار ما نیز همانند قرآن، محکم و متشابه وجود دارد پس متشابهات سخن ما را به [اصول، حقایق و باطن] محکم آن ارجاع دهید و فقط از متشابهات سخن ما بدون توجه به محکومات آن ها پیروی نکنید که گمراه می شوید (1) [و دیگران را نیز گمراه می کنید].

24- نیکی به پدر و مادر واجب است گرچه مشرک باشند و تنها در معصیت خداوند نباید از آنان و از هیچ کس دیگر پیروی کرد. (2)

25- هرگز بدون علت، نماز را از اول وقت آن به تأخیر نینداز. (3)

26- یاری رسانی به ضعیفان و نیازمندان از بهترین صدقات است. (4)

ص: 102

1- همان، ص 589.

2- همان، ج 2، ص 270.

3- نوری طبرسی، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، ج 3، ص 101، ح 2/3123.

4- ابن شعبه حرّانی، تحف العقول، ص 446؛ کلینی آن را به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و اله آورده است. (الفروع من الکافی، ج 5، ص 55).

27- اگر مردم در خوردن میانه روی کنند، بدن هایشان سالم و پایدار می ماند. (1)

28- بخل زیاد، آرزوهای دراز، چیره شدن آزمندی و طمع، ترک صله رحم و مقدم داشتن دنیا بر آخرت سبب جمع مال [و عدم استفاده درست از آن] می شود. (2)

29- اگر آدمی خوراک [و مایحتاج] یکسال خود را ذخیره کند، سبکبار و آسوده خاطر گردد. (3)

30- کوشش در راه کسب معاش را رها نکن. (4)

31- آن کسی که در جستجوی روزی و فضل خدا برای تأمین نیازهای خانواده خویش است، پاداشی بزرگ تر از مجاهد در راه خدا دارد. (5)

32- هر کس در خانه غذا می خورد، باقی مانده غذا را دور نریزد ولی اگر در صحرا و خارج از خانه غذا می خورد، اضافی آن

ص: 103

1- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج 63، ص 334.

2- ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، ص 282، ح 29.

3- حمیری، عبدالله، قرب الاسناد، ص 392، ح 1373.

4- همان، ص 372، ح 1326.

5- کلینی، محمد بن یعقوب، الفروع من الکافی، ج 5، ص 88.

را برای پرندگان و حیوانات قرار دهد. (1)

33- [از نشانه های انسان] مؤمن است که از رفتار و گفتار نیک و زیبایی خود خوشحال و خرسند می گردد و از خداوند طلب توفیق، بشارت و احسان بیشتر را می نماید و اگر از او کار و سخن زشتی سرزد از خداوند غفران و آمرزش می خواهد (2) [و با برنامه ریزی از تکرار آن جلوگیری و در حدّ توان خود آن را با خوبی جبران می کند].

34- از دعا و نیایش خسته و ملول نشو، زیرا دعا نزد خدا جایگاهی والا دارد؛ بر توباد به صبر و شکیبایی و کسب روزی حلال و پیوند و نیکی به نزدیکان و خویشاوندان و دوستان؛ بر حذر باش از پرده دری و هتک حرمت مردم. (3)

35- برای هر فردی شایسته است که پس از تعقیب نماز صبح، پنجاه آیه قرآن را تلاوت کند. (4)

36- مؤمن [کسی است] که خشم و غضب او را از مدار و مسیر حق خارج نمی کند و رضایت و خشنودی سبب گرایش او به

ص: 104

1- برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، ج 2، ص 445.

2- ابن بابویه، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 4.

3- حمیری، عبدالله، قرب الاسناد، ص 386، ح 135158 (به نقل از امام باقر علیه السلام).

4- طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، ج 2، ص 138، ح 305.

باطل نمی گردد و با این که قدرت و توانایی دارد ولی بیش از حقّ خود بر نمی دارد. (1)

37- خداوند، توانمندان را مکلف کرده است تا نسبت به بیماران زمین گیر و گرفتاران و مبتلایان بی تفاوت نباشند و در حدّ توان خود امور آنان را سامان دهند. (2)

38- در هر چیزی که مساوات و احسان و نیکی رواست با برادران به برابری و احسان و نیکی رفتار کنید. (3)

39- چند چیز است که اگر همراه با چند حقیقت نباشد؛ مسخره می نماید:

کسی که زبانش استغفار کند ولی، قلبش از گناه پشیمان نباشد؛ فردی که توفیق بخواهد ولی، کوشش نکند؛ انسانی که خواهان پایداری و تصمیم گیری درست است، ولی دقت و پرهیز ندارد؛

ص: 105

1- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج 75، ص 352؛ و به نقل از امام باقر علیه السلام (همان، ج 68، ص 359)؛ انس بن مالک نیز آن را به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و اله (طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الصغیر، ج 1، ص 61) و کلینی آن را به نقل از امام صادق علیه السلام (الاصول من الکافی، ج 2، ص 233) و شیخ مفید به نقل از فاطمه بنت الحسین به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و اله (الاختصاص، ص 233) آن را روایت کرده اند.

2- ابن بابویه، محمد بن علی، علل الشرایع، ج 2، ص 369.

3- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج 71، ص 226 - 227.

آن که از خداوند بهشت را بطلبید ولی، در دشواری ها شکیبنا باشد؛ شخصی که از آتش دوزخ به خدا پناه برد ولی، هوس های پست و فرومایه را ترک نکند؛ کسی که ذکر خدا داشته باشد ولی، شوق دیدار او را نداشته باشد... این گونه افراد خود را به استهزاء گرفته اند. (1)

40 - کسی که از امکانات برخوردار است واجب است به زندگی خانواده اش وسعت دهد. (2)

ص: 106

1- کراجکی، ابوالفتح محمد بن علی، کنز الفوائد، ص 152 - 153.

2- ابن شعبه، حسن بن علی، تحف العقول، ص 442.

- قرآن کریم

- ابن ابی الدنيا، عبد الله بن محمد، کتاب الاخوان، تحقیق محمد عبدالرحمن طوالبه باشراف نجم عبدالرحمن خلف، دار الاعتصام.

- کتاب العقل و فضله، تحقیق لطفی محمد الصغیر، دارالرایة، الرياض، 1409 هـ-ق.

- ابن اثیر، مجدالدین مبارک بن محمد، تتمة جامع الاصول من احادیث الرسول، دار الفکر، بیروت، 1412 هـ-ق.

- ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، التوحید، تحقیق سید هاشم حسینی طهرانی، جماعة المدرسين، قم، 1387 هـ-ق.

- الخصال، تحقیق علی اکبر غفاری، جماعة المدرسين في الحوزة العلمية، قم، بی تا.

- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ترجمه علی اکبر غفاری و حمیدرضا مستفید، نشر صدوق، تهران، 1372 هـ-ش.

- علل الشرائع، المكتبة الحيدرية، نجف اشرف، 1386 هـ-ق / 1966م.

- فقیه من لا یحضره الفقیه، تحقیق: علی اکبر غفاری، جامعة المدرسين، قم 1404 هـ-ق.

- ابن حَبَّان بستی، محمد، كتاب الثقات، دار الفكر، بيروت، 1393 هـ-ق.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، تهذيب التهذيب، دار الفكر، 1404 هـ-ق.
- فتح الباري شرح صحيح البخاري، به كوشش عبدالعزيز بن عبدالله و محمد فؤاد عبد الباقي دار الكتب العلميّة، بيروت، بی تا.
- ابن حجر هيثمي، احمد بن محمد، الجوهر المنظم في زيارة القبر الشريف النبوي المكرّم، به كوشش م.ز.م. عزب، مكتبة مدبولي، قاهره، 2000م.
- ابن حوقل، محمد، سفرنامه ابن حوقل (ايران در صورة الارض)، ترجمه و توضيح جعفر شعار، امير كبير، تهران، 1366ش.
- ابن رستم طبري، محمد بن جرير، المسترشد في الامامة، تحقيق: احمد محمودي، مؤسسة الثقافة الاسلاميّة لكوشانبور، قم، بي تا.
- ابن شعبه (حرّاني)، حسن بن علي، تحف العقول عن آل الرسول، تحقيق: علي اكبر غفاري، مؤسسة النشر الاسلامي لجامعة المدرّسين، 1363 هـ- ش / 1404 هـ-ق.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علي، مناقب آل ابي طالب، مطبعة الحيدرية، نجف اشرف، 1376 هـ- ق / 1956 م.
- ابن صَبَّاح مالكي، علي بن محمد، الفصول المهمة في معرفة الأئمة تحقيق: سيد جعفر حسيني، المجمع العالمي لأهل البيت عليهم السلام، قم، 1385 هـ- ش / 1427 هـ-ق.
- ابن طلحه، ابو سالم كمال الدين محمد، مطالب السؤول في مناقب آل الرسول، مؤسسة البلاغ، بيروت، 1419 هـ- ق / 1999 م.
- ابن عامر شبراوي، عبدالله بن محمد، الاتحاف بحبّ الاشراف، منشورات

- ابن عدی جرجانی، ابواحمد عبدالله، الكامل فی ضعفاء الرجال، تحقیق سهیل زگار، دار الفکر، بیروت، 1409 هـ- ق.
- ابن نجار بغدادی، محمد بن محمود، ذیل تاریخ بغداد، تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا، دار الکتب العلمیة، 1417 هـ- ق / 1997 م.
- ابونعیم اصبهانی، أحمد بن عبدالله، ذکر اخبار اصبهان، بریل، 1934 م.
- ابن حنبل، احمد، مسند الامام احمد بن حنبل، دار صادر، بیروت، بی تا.
- آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
- باغستانی، اسماعیل، «حاکم نیشابوری»، دانشنامه جهان اسلام، ج 12، تهران 1378 هـ- ش.
- بدیع، منتجب الدین (اتابک جوینی)، عتبة الکتبة (مجموعه مراسلات دیوان سلطان سنجر)، تصحیح: محمد قزوینی و اقبال آشتیانی، اساطیر، تهران، 1348 هـ- ش.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، تحقیق: سید جلال الدین حسینی، دار الکتب الاسلامیة، بی تا.
- پاکتچی، احمد «ابوحنیفه»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج 5، تهران، 1372 ش.
- جزیری، عبدالرحمن، الفقه علی المذاهب الاربعة، داراحیاء التراث العربی، بیروت 1986 م.
- جصاص، احمد بن علی، احکام القرآن، دار الکتب العلمیة، بیروت، 1415 هـ- ق.
- جعفریان، رسول، «شماری از زائران سنّی امام رضا علیه السلام تا قرن ششم»، زائر،

- جهان بین، نستوه، «ثقفی، محمد»، دانشنامه جهان اسلام، ج 9، تهران، 1384 هـ - ش.

- جوینی خراسانی، ابراهیم بن سعد الدین محمد، فرائد السمطین فی فضائل المرتضی و البتول و الائمة من ذریتهم علیهم السلام، تحقیق: محمد باقر محمودی، مؤسسه المحمودی للطباعة و النشر، بیروت، 1400 هـ - ق / 1980 م.

- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، تاریخ نیشابور، ترجمه محمد بن حسین خلیفه نیشابوری، تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، آگه، تهران، 1375 هـ - ش.

- حدود العالم من المشرق الى المغرب، تعلیقات مینورسکی، ترجمه میر حسین شاه، تصحیح میراحمدی و ورهرام، دانشگاه الزهراء، تهران 1372 هـ - ش.

- حسینی، سید شهاب الدین، اتحاد و انسجام اسلامی در احادیث مشترک میان اهل سنت و شیعه، ترجمه محمد تقدیمی صابری، بنیاد پژوهش های اسلامی، مشهد 1386 هـ - ش.

- الوحدة الاسلامية في الاحادیث المشتركة بين السنة و الشيعة، اشراف محمد علی التسخیری، المجمع العالمي للتقريب بين المذاهب الاسلامية، طهران، 1427 هـ - ق / 2006 م.

- حسینی، علی بن ناصر، اخبار الدولة السلجوقية، به کوشش محمد اقبال، دار الافاق الجديدة، بیروت، 1404 هـ - ق / 1984 م.

- حکیمی، محمد، فرازهایی از سخنان امام رضا علیه السلام، دفتر اول تا سوم، بنیاد پژوهش های اسلامی، 1387-1388 هـ - ش.

- حکیمی، امیر مهدی، سیره امام رضا علیه السلام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1382 هـ- ش.
- حمیری، عبدالله، قرب الاسناد، مؤسسة آل البيت لاحیاء التراث، قم 1413 هـ- ق.
- خطیب بغدادی، احمد، تاریخ بغداد (مدینة السلام)، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، دار الکتب العلمیة، 1417 هـ- ق.
- خواندمیر، غیاث الدین بن همام الدین حسینی، تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد البشر، تصحیح محمد دبیر سیاقی، کتابفروشی خیام، تهران 1353 هـ- ش.
- داود بن سلیمان غازی، مسند الرضا علیه السلام، تحقیق محمد جواد حسینی جلالی، مکتب الاعلام الاسلامی، مرکز النشر، قم، 1376 هـ- ش / 1418 هـ- ق.
- ذهبی، محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، تحقیق شعیب الارنؤوط و حسین الأسد، مؤسسة الرسالة بیروت، 1413 هـ- ق.
- رامهرمزی، حسن بن عبد الرحمن، المحدث الفاصل بین الراوی و الواعی، تحقیق محمد عجاج الخطیب، دارالفکر بیروت، 1404 هـ- ق.
- رضازاده شفارودی، معصومه، «حدود العالم»، دانشنامه جهان اسلام، ج 12 تهران، 1387 هـ- ش.
- رفیعی، علی، «ابن حبان»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج 3، تهران، 1374 هـ- ش.
- «ابن راهویه»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج 3، تهران، 1374 هـ- ش.
- سازمان اوقاف و امور خیریه، مجموعه مقالات هم اندیشی زیارت، مشعر، قم، 1387 هـ- ش.
- سبکی، عبد الوهاب، طبقات الشافعیة الکبری، دار احیاء الکتب العربیة، قاهره،

- سمهودی، علی، وفاء الوفا باخبار دار المصطفی، دار الکتب العلمیہ، بیروت، 1415 هـ-ق.
- سمیعی، احمد «بیہقی»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج 13، تهران، 1383 هـ-ش.
- سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود بن آدم، دیوان، به اهتمام محمدتقی مدرس رضوی، سنایی، تهران، بهار 1385 هـ-ش.
- سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، الجامع الصغیر فی احادیث البشیر النذیر، دار الفکر، بیروت، 1401 هـ-ق.
- شعار، جعفر، «ابن حوقل»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج 3، تهران، 1374 هـ-ش.
- شهید اول، محمد بن مکی عاملی، الدروس الشرعیة فی فقه الامامیة، مؤسسة النشر الاسلامی، بی جا، بی تا.
- صالحی، محمد و دیگران، سیره امام رضا علیہ السلام، دارالهدی، قم 1384 هـ-ش.
- صفدی، صلاح الدین خلیل بن ایبک، الوافی بالوفیات، به کوشش رمزی بعلبکی، 1411 هـ-ق / 1991 م.
- صنعانی، (ابوبکر) عبدالرزاق بن ہمام، المصنّف، تحقیق: حبیب الرحمن الاعظمی المجلس العلمی، بی تا.
- طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، تحقیق: ابراہیم الحسینی، دار الحرمین، بی تا.
- المعجم الصغیر، دار الکتب العلمیہ، بیروت، بی تا.
- کتاب الدعاء، تحقیق مصطفی عبد القادر عطا، دار الکتب

- طبرسي، علي (ابوالفضل)، مشكاة الانوار في غرر الأخبار، تحقيق: مهدي هوشمند، المكتبة الحيدريّة، نجف، 1385 هـ-ق / 1965 م.
- طبري، محمد بن جرير، تاريخ الامم والملوك، (تاريخ الطبري)، تحقيق: نخبة من العلماء الاجلاء، مؤسسة الاعلمي، بيروت، بي تا.
- طبسي، محمد محسن، حديث سلسلة الذهب از ديدگاه اهل سنت، دليل ما، قم، پاييز 1388 هـ-ش.
- امام رضا عليه السلام به روايت اهل سنت، دليل ما، قم، پاييز 1388 هـ-ش.
- طوسي، محمد بن حسن الامالي، تحقيق: مؤسسة البعثة، دار الثقافة، قم، 1414 هـ-ش.
- تهذيب الاحكام، تحقيق: سيد حسن خراسان، تصحيح محمد آخوندي، دارالكتب الاسلاميه، 1365 هـ-ش.
- عابدي، احمد، فلسفه زيارت (شرح و تحقيق رساله «زيارة القبور امام فخرالدين رازي»)، انتشارات زائر، قم، 1376 هـ-ش.
- عطاردی، عزيز الله، مسند الامام الرضا عليه السلام، المؤتمر العالمي للإمام الرضا عليه السلام، 1406 هـ-ق.
- عطايي، محمدرضا، امام رضا عليه السلام در آثار دانشمندان اهل سنت، آستان قدس رضوي، به نشر، مشهد، 1388 هـ-ش.
- علي بن موسى الرضا، امام هشتم عليه السلام، صحيفة الامام الرضا عليه السلام، تحقيق: مؤسسة الامام المهدي (عج)، باشراف السيد الابطحي، قم 1408 هـ-ق / 1366 هـ-ش.

- فضل الله بن روزبهان خنجی، مهمان نامه بخارا، به اهتمام منوچهر ستوده، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، 1384 هـ- ش.
- وسیلة الخادم الى المخدم در شرح صلوات چهارده معصوم، به کوشش رسول جعفریان، کتابخانه عمومی آية الله مرعشی نجفی، قم، 1372 هـ- ش.
- فضل بن شاذان، الايضاح، تحقيق: سيد جلال الدين حسینی ارموی، بی نا، بی جا، بی تا.
- کراجکی، ابو الفتح محمد بن علی، کنز الفوائد، مكتبة المصطفوی، قم، 1410 هـ- ق.
- کلاویخو، گونزالس، سفرنامه کلاویخو، ترجمه مسعود رجب نیا، انتشارات علمی و فرهنگی تهران، 1366 هـ- ش.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الروضة من الکافي، تحقيق: علی اکبر غفاری، دار الکتب الاسلامیة، 1362 هـ- ق.
- الاصول من الکافي، تحقيق: علی اکبر غفاری، دار الکتب الاسلامیة، 1367 هـ- ق.
- الفروع من الکافي، تحقيق: علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیة، 1367 هـ- ق.
- لسانی فشارکی، محمد علی، «تفرقه (1)»، دانشنامه جهان اسلام، ج 7، تهران، 1382 هـ- ش.
- «جماعت (1)»، دانشنامه جهان اسلام، ج 10، تهران، 1385 هـ- ش.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار،

- محسنی، محمد آصف، تقریب مذاهب از نظر تا عمل، نشر ادیان، قم، 1387 هـ-ق.
- مدرّسی تبریزی، محمدعلی، ریحانة الادب در شرح احوال و آثار علماء، عرفا، فقها، فلاسفة، شعرا و خطاطین، خیام، تهران، 1374 هـ-ش.
- مستوفی، حمد الله، نزهة القلوب، به کوشش سید محمد دبیر سیاقی، حدیث امروز، قزوین 1381 هـ-ش.
- مغنیه، محمدجواد، الفقه على المذاهب الخمسة، بی تا، بی جا، 1982م.
- مفید، محمد بن نعمان، الاختصاص، تحقیق علی اکبر غفاری، جماعة المدرسين في الحوزة العلمية، قم، بی تا.
- مقدسی، محمد بن احمد، احسن التقاسیم في معرفة الاقالیم، ترجمه علینقی منزوی، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، 1361 هـ-ق.
- منزوی، علینقی، «احسن التقاسیم في معرفة الاقالیم»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج 3، تهران، 1374 هـ-ش.
- میرخواند، محمد بن خاوندشاه بن محمود، تاریخ روضة الصفا في سيرة الأنبياء والملوك والخلفاء، تصحیح: جمشید کیان فر، اساطیر، تهران، 1380 هـ-ش.
- ناجی، محمدرضا، امام رضا علیه السلام، دفتر پژوهش های فرهنگی، تهران، 1387 هـ-ش.
- تاریخ و تمدن اسلامی در قلمرو سامانیان، مجمع علمی تمدن، تاریخ و فرهنگ سامانیان، بی جا، 1378 هـ-ش.
- نسائی، احمد بن شعیب، سنن، با شرح جلال الدین سیوطی، دارالفکر، بیروت، 1348 هـ-ق 1930م.

- نوری طبرسی، میرزاحسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، مؤسسة آل البيت لاحیاء التراث، 1408 هـ-ق.
- هاشمی شافعی، سید محمد طاهر، مناقب اهل بیت علیهم السلام از دیدگاه اهل سنت، به اهتمام سید ناصر حسینی میبدی، بنیاد پژوهش های اسلامی، آستان قدس رضوی، مشهد، 1378 هـ-ق.
- همایی، جلال الدین، غزالی نامه، کتابفروشی فروغی، تهران، 1342 هـ-ق.
- واعظ زاده خراسانی، محمد «راه های تقریب مذاهب و وحدت مسلمانان»، مطالعات اسلامی، شماره 60، تابستان 1382 هـ-ق.

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارك امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109

مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

